

[Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0642

<http://hdl.handle.net/2333.1/pnvx0kfz>

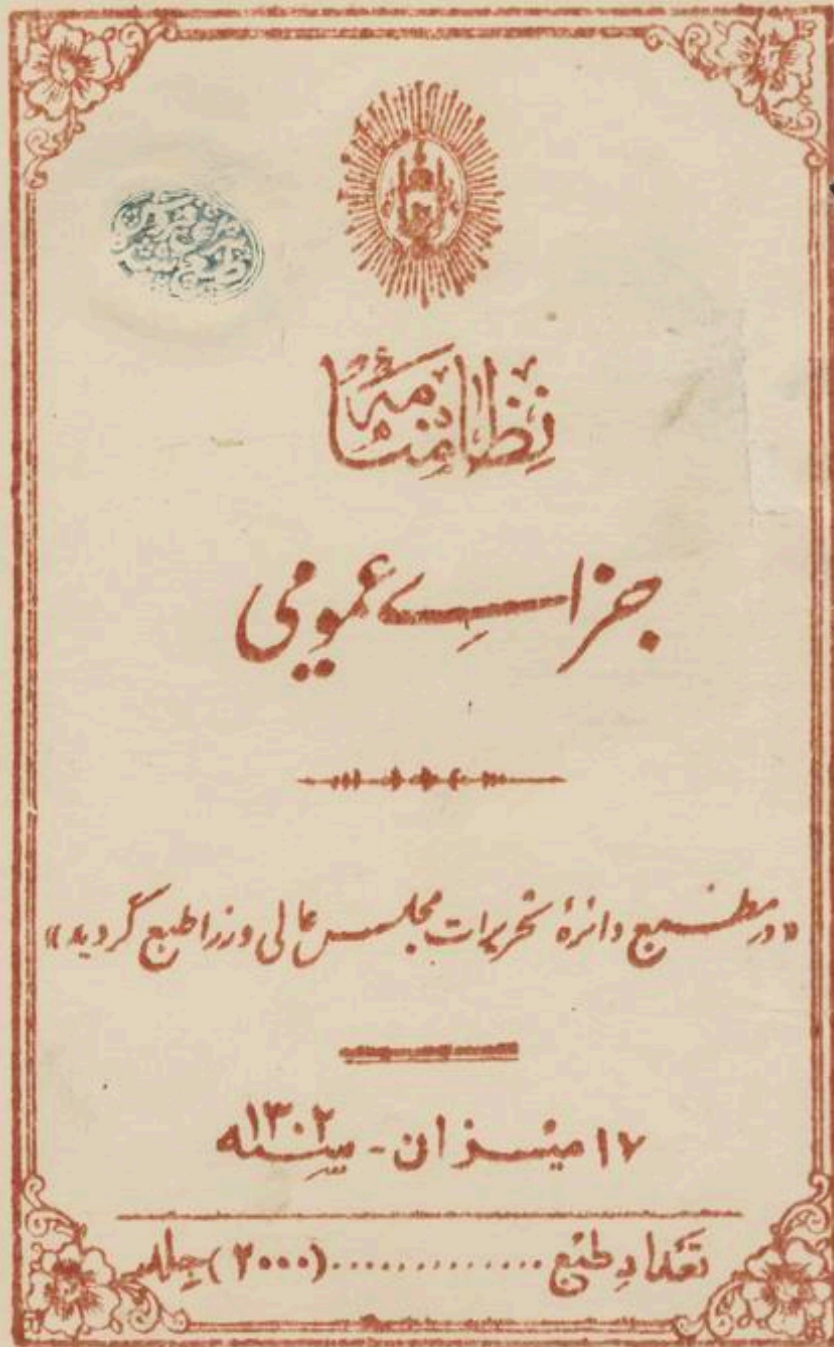


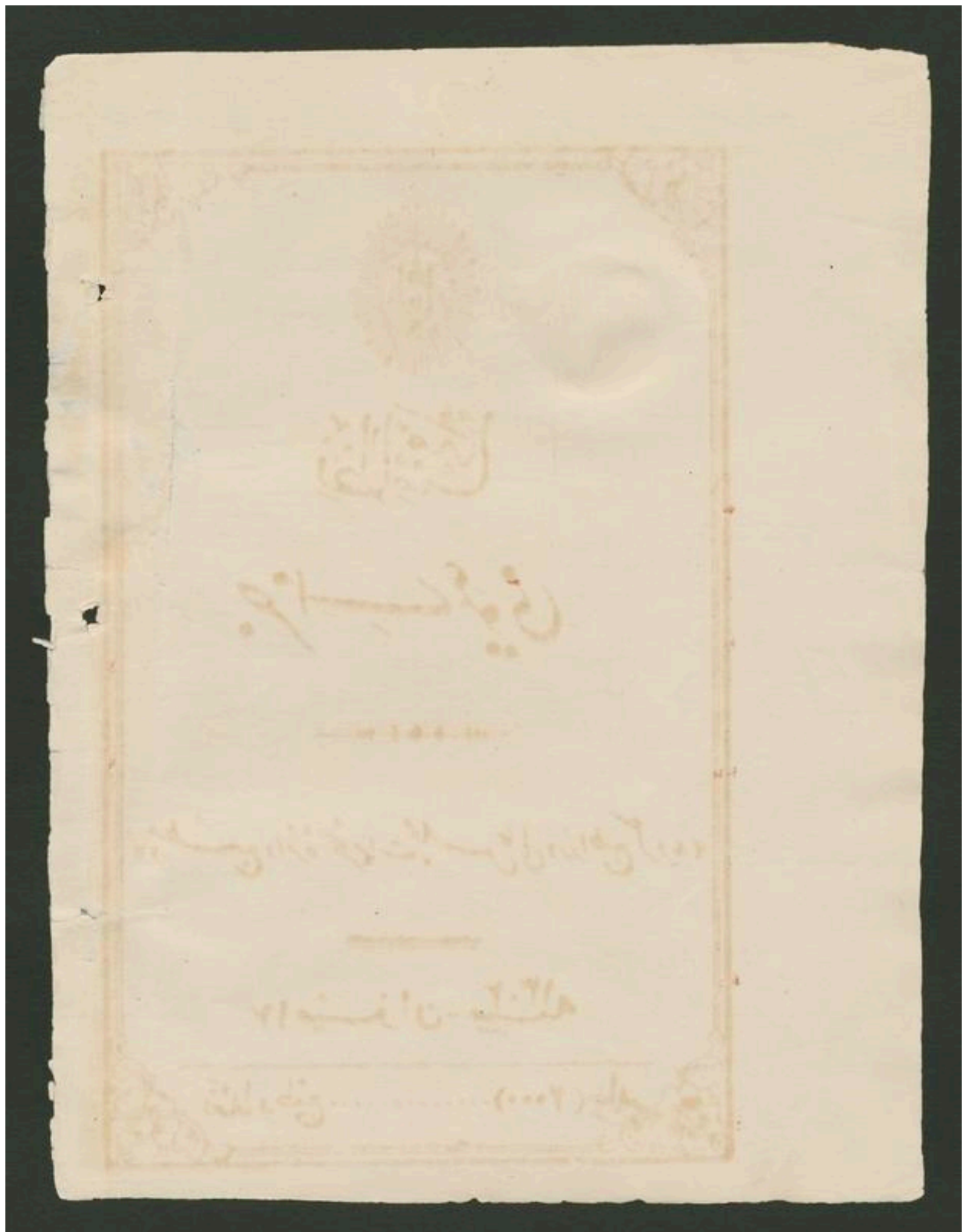
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظامنامه جرای عمومی

مُقَدِّمَةٌ

قاعده

(۱) — چنانچه اجراء مجازات جرایمیکه براه راست بر علیه حکومت واقع میشوند بدولت عائد است، همچنان از جمله جرایمیکه بر علیه یک شخص بوقوع برسند، تحدید درجه تعزیرات آنها که تابع تعزیرات شرعی و سیاستی باشند بدولت عائد بوده، بنابراین درباره این دو نوع مجازات این نظامنامه جرایم چنانچه مقدار ثواب آن بقرار رأی اولوالامریان گردیده، و از سببیکه درباره جرایمیکه بقصاص و دیت و حد تابع میباشند

(باز اسامی عمومی)

مجلس شورای

احکام غنیه شرعیه را نیز حاوی است، بنا بر آن کافه مندرجات
آن مطابق شرع انور (محدثی) است، و آن فصول متشکک
القضاة الامانیه که متعلق بجزا است از مروطات این نظام
شمرده میشود.

(۲) — جرمها نیکه قانوناً مستوجب مجازات هستند نوع است —
اول قباحه، دوم خفجه، سوم جنایت.

(۳) — قباحه مستلزم مجازات تکدیریه، خفجه مستلزم مجازات
تادیبیه، جنایت مستلزم مجازات تربیتی، جرمها نیکه
هستند.

(۴) — مجازات تکدیریه عبارت است از جزای نقدی از یکروز
الی دو صد روپیه، و یا از بیست و چهار ساعت الی
یک ماه حبس.

(۵) — مجازات تأدیبیه عبارت است از دو صد روپیه بالاتر الی
سه هزار جزای نقدی، و از یکماه الی سه سال حبس، و یا
جزای ضرب یعنی لت از (۳) ده الی (۳۹) دوره.

(۶) — مجازات تربیتی عبارت است از جزای نقدی بالاتر از
سه هزار روپیه، و جزای حبس از سه سال بالاتر الی حبس عوام

واعدام، و جزای ضرب از (۳۹) دره الی (۱۰۰) دره،

مراد از حبس دوام بیست سال مجبوسیت است.

(۷) — جزای جرایمی که از نوع جرم باشد، تنها بیک لنگ

نهولانه در مجبوسان خانه احوال بدت حبس جمع در این نماید

مجبوسین در مجبوسخانه بصنایع مختلفه اشغال میشوند، و بملفیکه

از آن حاصل کنند بقوت و معاش شان رسانیده میشود

و مقداریکه برای شان کفایت نکند از طرف دولت احوال

میگردد، محکومین قباحات و توقیفخانه متوقف میمانند.

(۸) — جزای نیکه از نوع جنایت باشند، بر نهولانه انداخته شدن

به هر دو یا سه مجرم در بندینخانه های عمومی

ادامه میشود، و نظر باقتضای جرم، بندها در خدایات شاقه

دولت گماشته میشوند، و از طرف دولت برای شان

خوراک داده میشود.

(۹) — جزای ضرب یعنی لت در صحن سربهای حکومتی در حالیکه یکی

از مفتی های محکمه شرعیه جزائی که اعطای حکم نموده، و یک نفر

منصبدار کو توالی، و عند الاقتضا نائب الحکومه و یا حاکم،

و یک نفر مغرزه نظامی و کو توالی موجود باشد، در پیشرو

یکت جمع غیر االی اجرا میشود.

(۱۰) — جزای ضرب بامر اسم ذیل اجرا میابد:

مفتی محکمه جزائیه، بامفرزه نظامی و کوتوالی که در قاضی بالا
ذکر شده، در صحن سرای حکومتی، و یا در صحن وزارت عدلیه
عین در جای وسطی آن اخذ موقع مینمایند، و االی بدو وارد
صحن ایستاده و یک میدان وسیع بوجود آورده اجتماع
میکند، متعاقباً محکوم علیه میدان آورده میشود، و مفتی
همان محکمه که درباره او اعطای حکم نموده، حکم فیصله شدگی را
با و از بلند سخنراند بعد از ختم قرائت محکوم علیه از کالاس
بالا پوشش برهنه شده در صحن مذکور بقسم راکعانه ایستاده
شده، یک شخص دیگر از کوتوالی مقابل او ایستاده
شده سر او را در بغل میگیرد، جلاد کوتوالی دره شرعی ^{بفیل}
گرفته، بموجب اشاره که از طرف مفتی داده میشود
یک بعد دیگر ضربه را در پشت مجرم فرو می آورد، در
اتنای ضرب دست راست از شانه باید بالاتر نشود
و بعد از تماس ضرب بجلد دره باید بر جلد کش کرده نشود
بعد از پوره شدن عدد مطلوب بموجب اشاره مفتی

محکمه عدلیه عملیات ختام می پذیرد، و متعاقباً اگر محکوم
 علیه علاوه بر آن مجزاجی بسیم محکوم گردیده باشد
 به بندخانه سپرده میشود، و اگر اضافه بر آن محکومیت
 نداشت آزاد گذاشته میشود، و اگر محکوم علیه، زن باشد
 در حضور محکمه شرعیّه جزا بصورت سائرانه زده میشود، و
 ایفای تشهیرات فوق در شان او ضرورت ندارد،
 و سر او را باید شخص محرم بگیرد و اگر محرم نباشد زن دیگر را
 مکلف سر گرفتن او بدارند.

(۱۱) — هیچ نامور دولت تا حکم یک محکمه جزا پیته نباشد هیچ کس
 از رعایا را بهیچ وسیله و بهانه ضرب نمیتواند، و هم حکمی را
 که از محکمه صادر گردد بالذات بدست خود اجرا کرده
 نمیتواند، جرای ضرب فقط بشکل و صورتیکه در بالا ذکر شد
 اجرا پذیر میگردد.

(۱۲) — مراد از جزای اعدام، قلیست که طرز آن از حضور پادشاهی
 صادر میگردد.

طرز اجرای هر حکم اعدام در ابتدای نظوری اعلامی که حکم اعدام
 حاوی بوده از طرف اشرف پادشاهی تصریح و اراده

فسروده میشود .

(۱۳) — زینکه جزای اعدام محکوم گردیده باشد، اگر حاکم بود بعد از

وضع حملش مجازات میشود .

(۱۴) — مردانیکه بجنایت محکوم باشند، پیش از آنکه آنها را در بند بخت

ببرند، بشهر گشتانده شده تشهیر میشوند .

(۱۵) — هرگاه یکی از تبعه دول اجنبیه باشند افغانستان ترکب

جرم کرده که مستلزم جزا باشد، بر طبق نظامنامه جزا

مانند سایر تبعه افغانستان مجازات میشود .

(۱۶) — یک شخص پس از آنکه بصورت قطعی یکی از مجازات تربیعیه

محکوم شد، در اثنا نیکه در حبسخانه باشد، و یا بعد از اكمال

مدت حبس خود در ظرف ده سال دیگر ترکب چنان یک

جنایت کرده که مستلزم حبس پانزده سال و یا زیاده

بران باشد سیاستاً اعدام میشود .

(۱۷) — هرگاه بر بالا یک شخص دیت شرعی، تضمینات شخصیه

وردا اموال مسروقه، و جزای نقدی و مصارف محاکمه

یکجائی حکم شود، از همه اول مقدار دیت شرعی و تضمینات

شخصیه و اموال مسروقه از وی گرفته میشود و بعد از آن

جزای نقدی و مصارف محاکمه، و مانند آن حق دولت
از وی استحصل میگردد.

(۱۸): — مصارف محکمه بر ذمه محکوم علیه است.

(۱۹): — اشیاییکه اعمال، و استعمال، و نقل و محافظه، و بیع
و شرا و آن جرم را بوجود می آرند، اگر چه بفاعل جرم
تعلق نداشته باشند، باشد هم مطلقاً از طرف دولت، ضبط و
مصادره میشود.

(۲۰): — اشخاصیکه بکدام جنایت، و جرمی که امنیت داخلی و خارجی دولت
اخلال نماید جرأت ورزیده باشند بعد از احکام نمودن شدت
جزائی که قانوناً برای شان معین است بهمه حال در تحت
نظارت کو تو والی میباشند.

(۲۱): — بودن در زیر نگرانی کو تو والی عبارت است ازین چند چیز:
اول: — اقامت کرده توانستن در محلهاییکه حکومت از زمین
نموده است.

دوم: — محله را که در آن اقامت میورزد و یا جائاییکه تا
برسیدن محل اقامت خود از آنجا نمیکند رد، آنرا
تعیین و بیان نمودن.

سوم: - در تذکره مروری بقسمیکه گفته شد اشارت کردن.

چهارم: - مجوز رسیدنش در آنجا در طرف بیست و چهار

ساعت از ورود خود بگومت خبر دادن.

پنجم: - در حالیکه از آنجا بیک طرف دیگر رفتن آرزو داشته

باشد سه روز پیشتر بگومت خبر داده مجدداً تذکره

مرور خود را گرفتن، کسیکه در زیر نظارت ضبطیه

بوده و با وجود آن باین شرائط رعایت نکنند

کم از کم بجزای جس بیکال محکوم میشود.

(۲۲): - مأموریکه بحدودیت مدت لا اقل دو سال محکوم گردیده

باشد، به این شرط که آینده در هیچ یکی از خدمات دولت

از و کار گرفته نشود طرد کرده میشود.

مأموریکه مرتکب جرم سرقت اموال دولت و اخذ رشوت

گردیده باشد، اگر چه کمتر ازین مدت بحدودیت دو چار

شده باشد، الی الابد از خدمت دولت طرد میشود.

(۲۳): - در اثنا وقوع جرم کسانی که سن سیزده سالگی را پوره

نگرده باشند، از قوه میمزه محروم دانسته میشوند، و از

جرمیکه کرده باشند مسئول شناخته نمیشوند، هرگاه از سبب

جرم ایشان دیت لازم شود بعاقله متعلق میشود و خود ایشان
 بوالدین و ولی و وصی و صاحبشان تسلیم میشوند، مگر هرگاه
 اینچنین بچه پیش از آنکه سال پانزدهمین سن خود را پوره
 کنند با تکرار از ایشان بیک جرم سه مرتبه بخواه که سائیکه فقط
 شان مامورند از صد روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی
 گرفته میشود.

(۲۴): در حین وقوع جرم بچه تا یک سال پس از پوره نمودن
 و سال پانزدهم را احوال ننموده باشند، جزای شلین بدو
 نصف مقدار یک در نظام مستحق گردیده است، حکم میشود.
 اگر جرم مستلزم اعدام باشد، بعوض آن ده سال حبس
 میشود، و از اینچنین بچه جزای نقدی هم مناصف گرفته
 میشود.

(۲۵): هرگاه ثابت شود که مجرم در حین وقوع جرم کمال (جنت)

یعنی دیوانگی دوچار بود، از مجازات معاف نیست میشود.

(۲۶): هرگاه ثابت شود که یک شخص یک جرم را که اصلاً مرصدا

او نبود مجبوراً مرتکب گردیده است از مجازات معاف
 دانسته میشود، تنها در بناب مجنوریت که معتبر است

نظر بر حاکم جرم او را عبارت است از وقوع یک چنان
 کیفیت که آن شخص را تماماً و کاملاً از شعار تهمت بری اندازد
 نشان میدهد، و ثانیاً پیش آمد یک چنان ضرورتیکه او در مقابل
 آن مقامست کرده نتوانستن خود را ثابت بسازد الا ازین
 امر والدین به اولاد، و یا از با دار بخدمتکار حالانیکه از عظیم
 و احترام نشئت میکنند آنها را مجبورت گفته نمیشود.

(۲۷) - فعلیکه ضرورت دفع فوری یک تعرض نامحتمل که خواه نفس
 و عرض خود شخص یا غیره واقع شود، و جلوگیری آن بیک
 صورت ممکن نباشد آنرا جرم گفته نمیشود.

بنابر علی ذلک فاعل آن از جز اصناف دانسته میشود،
 افعالی که در اثنای نهیب و سرقتیکه با جرایم جبر و شد
 بوقوع پیوسته باشد، و یا خود در سرقتها نیکه موثر چنان
 یک ضرر عظیمی میشوند که اراده و خست سیار یک شخص را
 نخل در بسازد بوقوع برسند، و یا هر گونه افعالی که
 بر اسی دفع سارق و ارمب اجرا شود و یا در جایکی است
 مال ممکن نباشد هرگاه برای مدافعت خود، و محافظه و تحلیص
 و هتراض فوری مال افعالی بوقوع برسند آنها را نیز

جرم گفته نمی شوند .
 هرگاه در اجزای یک حکمیکه از روی شریع و نظام و یا اینکه
 از کدام مرجع نظامی داده شده باشد، یک فعل واقع شود
 جرم شمرده نمیشود .

(۲۸) : اموال مسروقه در دست هر کس که باشد از روی گرفته میشود
 مگر جزایعاید است بفاعل سرقت .

(۲۹) : هرگاه یک چند نفر اشخاص متعدد متحداً ترکیب یک جنم
 و یا جنایت گردند، و یا آنکه در یک جنایت و یا جنم
 که از افعال متعدد مرکب باشد از چند نفر اشخاص
 بر کدام شان بغرض حصول جرم، یکی و یا یکچند
 از افعال مزبوره را اجرا کنند، اشخاص مذکوره را
 بهم فعل گفته میشوند، و همه شان مانند فاعل مستقل آن
 فعل جزا می بینند .

(۳۰) : کسانی که به اعطای هدیه، و یا نفوذ، و یا به اجراء تهدید، و یا به
 اعمال خلیه و وسیله، و یا به تصرف نفوذ، و یا به صورت استعمال
 بیجا حکم ناموریت خود دیگر را بوقوع یافتن یک جنم و یا جنایت
 تحریک نمایند، و یا بوقوع یک جنم و جنایت واقف گردیده بر

حصول آن تجویز است نمایند، و یا اصلحه و آلات و وسایط
که مدار وقوع یک جنحه و جنایت باشد دیده و دانسته
تدارک کنند، یا در افعالیکه سبب آماده گی و تسهیل
و یا اکمال یک جنحه و جنایت باشند دانسته با فاعل اصلی
آن معاشرت ورزند، همه این قسم گسان فرغادی مدخل
همان جنحه و جنایت شناخته میشوند.

کسانیکه برخلاف اذیت حکومت، و اعیت عمومیه،
و اعیت اشخاص اموال دست درازی و یا استعمال
و شدت ینمایند، و یا بر افعال و حرکات ارباب جرم
واقف بوده بآنها بالا اختیار خوراک و خوابگاه و جاکناه
و جامه اجتماع میدهند نیز فرغادی مدخل شمرده میشوند،
کسانیکه اشیائے را که بصورت غضب و یا سرقه، و یا
خود از وقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت استحصال کرده
باشند، تماماً و یا قسمی دانسته حفظ و اخفا نمایند، نیز در همان
افعال ذی مدخل شناخته میشوند، و نظریه این حالات
مختلفه در باره کسانیکه فرغادی مدخل یک جنحه و یا جنایت
باشند بوجه ذیل جزا حکم میشود:-

اگر اصل فعل مستلزم اعدام و یا حبس دوام باشد، درباره
کسانی که در آن فرغای مدخل اند [از ده سال تا پانزده
سال جزای حبس].

اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از ده سال تا پانزده سال
باشد، درباره کسانی که فرغای مدخل باشند [از ده سال
تا پنجاه سال جزای حبس].

اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از ده سال تا ده سال
باشد، درباره کسانی که فرغای مدخل اند [از دو سال
تا سه سال جزای حبس].

در مسائل جنحه جزای کسانی که فرغای مدخل باشند،
[بقدر دو ثلث جزای اصل فاعل است].

(۳۱): — در حایکه یک وارث عدم وقوع قتل را دانسته بر سبک
شخص به تدارک شاه زور دعوی قتل اقامه نماید و بطلان
دعوی او بصورت بر حیات بودن مقتول ثابت شود
[وارث مدعی جزای شاه زور می بیند].

* *

*

(۵۶)

باب اول

(جنو جنایاتیکہ ضرر شان عام است، و مجازات پر آن مقرر گردید)

(فصل اول)

(جنو جنایاتیکہ امنیت خارجہ افغانستان)

(اخلال میس نماید)

(۳۲) — بادشمنان افغانستان متفق گردیدہ بر علیہ افغانستان

یعنی برخلاف افغانستان سلاح گرفتن [اعدام]

(۳۳) — یک دولت اجنبی را بر علیہ افغانستان بحرب برانگیختن [اعدام]

(۳۴) — در داخل شدن دشمن بافغانستان، ان به دولت بهمسایند

و بغرضیکہ دشمن به آسانی در افغانستان راه و سبیل یابد

راه ها، و ریل ها، و قلعه ها، و ماشینخانه های افغانستان

تخریب نمودن، و عسکر دشمن را بسلاح و پول معاونت

دادن، و عسکر افغانستان را در مقابل دشمن به عدم متجاوز

تشویق نمودن، و بار بار از قوه بفعل آوردن یکی ازین جنایات

با دشمن مخا بره کردن [اعدام]

(۳۵) — دشمن از ترتیبات عسکریه مملکت و نقشه های مدافعه و تعرض

و مقدار قوه عسکریه، و الحاصل یکی از اسرار عسکری

و اسرار مهندسی را خبر دادن [اعدام] .

(۳۶) — عسکر افغانست را از افغان کر درن بسوی دشمن تشویق

و اغوا نمودن [اعدام]

(۳۷) — بیک ترس از اسرار سیاسی و عسکری دولت بحسب

باموئیت خود واقف گردیده در حال عدم مأذونیت از

دشمن افشا نمودن [اعدام] .

(۳۸) — در جدا ساختن و علییه گردانیدن بیک قسم از ارضی افغانستان

از افغانستان، و یا خود را بنجا براسه تأسیس دادن

یک اداره مستقل جدا گانه از اداره دولت کوشیدن

[اعدام]

(۳۹) — بغرض کوشش در ایجاد یک حرب بر علیه افغانستان

بنحاک یک دولت جنبی پناه بردن [اعدام] .

(۴۰) — پیش از اعلان حرب یکی از تبعه افغانستان، در خدمت

عسکریه دشمن بوده پس از اعلان حرب نیز در همان خدمت

دشمن پائیدن [پانزده سال حبس] .

(فصل دوم)

(جنہ و جنایاتیکہ امنیت افغانستان را اخلال مینماید)

(۴۱) — تبعة افغانیه را بر علیه حکومت بلغی و عصیان تشویق دادن

و متعاقباً فعل عصیان بوقوع آمدن [اعدام] .

(۴۲) — بے وقوع فعل بغاوت، فقط در تولید ماده بغاوت کوشیدن

[حبس پانزده سال] .

(۴۳) — بر قہا و نشانہاے افغانستان، و یاد دل اجنبیہ دوست

بغرض حقارت و استخفاف پارہ کردن [از دو سال

تا سه سال حبس] .

(۴۴) — تشویق نمودن اٹالی افغانستان را بمقابلہ یکدیگر، و بدیغرض

آنها را بضد یکدیگر مسلح گردانیدن [اعدام]

(۴۵) — جرائمیکہ در قاعده اے (۴۱) و (۴۲) و (۴۴)

بیان گردیدند، ہر گاہ از طرف بعض جمعیت یا بعض

رؤسایے شان [اعدام] و نفری شان [حبس دو]

میشوند، علاوہ بران جنایت اٹیکہ درین قاعده بیان

گردید، ہر گاہ در انخصوص در میان بعض اشخاص اگر

و مفاهمه بمیان آید، و به بعضی اسباب تو تسل و زید
 شود کسانیکه در مذاکره و مفاهمه شامل باشند :

رؤسای شان [جس دوام] .

و باقی شان [پانزده سال جس] .

اگر تنها مذاکره بوقوع آید و با اسباب تو تسل و زید نشود :

رؤسای شان [ده سال جس] .

باقی اعضا [هفت سال جس] .

اگر از میان شان کمترین تکلیف نماید، و دیگران تکلیفش را

رد نموده قبول نکنند، شخص تکلیف کننده [پنج سال جس] .

و کسانیکه تکلیف او را رد نموده بدولت خبر دهند

[از شش ماه تا یک سال جس] .

کسانیکه بتدارک و اعمال و احضار و اعطای سلاح

و آلاتیکه یک جمعیت فسادیه برآید بمقصد خود

بآن محتاج است، پردازند :

هرگاه ماده فساد بموقع فعل آید [اعدام] .

و الا اگر بموقع فعل نیامده بدرجه تشبث باقی بماند [پانزده

سال جس] .

(تلف شده جزایان سوزی) فرزند (۳۳)

و چون افغانستان تجارت اسلحه جاریست، بنابراین
کسانیکه به پیشه اسلحه فروشی و تجارت مسلح مشغول باشند،
هرگاه از آن وقوف نداشته باشند [از جزا معاف نیستند].
(۴۶) — کسانیکه عسکر دولت را به بلوا و بغاوت تحریک و تشویق

نمایند [اعدام]

(۴۷) — قصد آماجشین خانه یا و انبار خانه یا دولت را احراق

نمودن [اعدام]

(۴۸) — کسانیکه بتاراج کردن نفوذ و اشیای عیبت دولت

تشبث ورزند رؤسای شان [اعدام].

و بقیه نفیری [حبس دوام]

(۴۹) — دزدانیکه در کوه یا صحرا یا مسلح گشت و گذار نموده و

لخت میکنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیة حد

لازم نشود بعد از تاوان [از پانزده سال تا حبس دوام].

(۵۰) — هرگاه کسانیکه بمقصد قطع طریق، در کوه یا صحرا یا مسلح

گشت و گذار نموده قبل از دزدی و تاراج گرفتار شوند

[از سه سال تا پنج سال حبس].

(۵۱) — از ارباب شقاوت مستمره کسانیکه قبلاً هم مرتکب جنایت

گردیده باشند، و یا رهنر تانیکه در دست افتاده گان
خود را شکنجه و اذیت نمایند، و یا در اثنا بر قطع طریق
مردمان را میکشند [اعدام].

(۵۲): — اگر رهنر تان که را قتل نکرده، و مال نگرفته مجروح کرد
اگر مطابق تشکک القضاة الایمانیه حد لازم نشود بعد از
تاوان [از پنج سال تا ده سال حبس].

(۵۳): — در کوچ و امید انهابغرض تشویق مردم بر اسب عصبان
اوراق مضرة مطبوعه را نشر کردن، و یا برای این مقصد
نطقها گفتن، هرگاه عصبان بظهور آید [اعدام].
و هرگاه بظهور نیاید [نفی دوام].

و اگر تکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع سرزند
اگر چه فعل عصبان بظهور نیاید [اعدام].

(۵۴): — کسانی که اخبار را و بیان نامه هاییکه بغرض تشویق مردم
بر اعی عصبان نوشته شده باشند نزد خود داشته بنویسند
توزیع نموده باشند [از پنج سال تا هشت سال حبس].

* *

*

فصل سوم

(در باره رشوت)

(۵۵): — قاضی و حمله مأمورینکه وظایف و خدمات رسمی را در عهده گرفته اند، و اعضای منتخب و منصوب جمیع مجالس رسمی، و کسانی که از احاد ناس مانند حکم و اهل خبره بوده بایک وظیفه رسمی مکلف هستند، و وکیلان دعوی، براس نکرده چیریکه نظاماً و قانوناً بگردن آن میخورند و یا براس گردن چیریکه نظاماً و قانوناً به آن مجبور هستند، پول و یا اشیائی که بنام بدیه بگیرند، و یا سایر منافعی که به اینصورت برای خود تأمین نمایند، و فرق فاحشه که در بین قیمت حقیقت و ثمن مسای اموال و اطلاقیکه براس همین مقصد خواه کم و یا زیاد به بیع و شرا شوند، گرفته میشود رشوت است.

(۵۶): — یک مأموریکه بغرض باطل گردانیدن یک حق رشوت بگیرد [سیچند مقداریکه رشوت گرفته است از وی بقسم جزا نقدی استرداد گردیده از سه سال تا پنج سال حبس]

(۵۷): — هرگاه رشوت تنها برای وعده کردن و یا نکردن کلام
کار گرفته شده بطلان حق بعمل نیامده باشد
[سه چند مقدار رشوت از وی استرداد گردیده از دول
تا سه سال حبس میشود].

(۵۸): — راشی یعنی رشوت دهنده بصورت رشوتیکه داده است
بقسم جزای نقدی از وی ضبط گردیده علاوه بر آن
[از یک سال تا سه سال حبس].

و نظر بصورت ثانی [تنها همان رشوتیکه داده است بقسم
جزای نقدی او بخزینه دولت میرسد].
(۵۹): — اگر مبنی بر رشوت داده و گرفته نشده باشد، و تنها در باب
اخته و اعطای آن یک گفتگو و یا مقاوله تحریری بعمل آمده
باشد [راشی و مرشی بصورتیکه در قاعده های بالا ذکر شد
جزای می بیند].

(۶۰): — هرگاه یک آدم برای محافظه جان و مال و عرض خود،
و الحاصل برای حفظ یک منفعت مشروع خود رشوت
دادن مجبور گردد، رشوتیکه داده است واپس بخودش
اعاده میشود، و تنها مرشی جزای می بیند.

(۶۱) — هرگاه یک نامور در صورتیکه برایش رشوت تکلیف
 و او آنرا قبول ننماید و متعاقباً بدولت خبر بدهد، خودش
 علناً از طرف اشرف پادشاهی بایک تحسین یا لطیف
 گردیده و راشی جزا می بیند.

(۶۲) — کسیکه رشوت دادن مجبور شود، و رشوت را بر تشریفات
 باید در طرف یک هفته بدولت خبر بدهد، هرگاه بدلائل
 مقننه رشوت را اثبات نمود شخص مذکور از جزای
 راشی معاف میشود.

فصل چهارم

(در باب سرقت اموال)

(۶۳) — کسیکه اموال دولت را نقد یا جنساً بدسیسه و جعل کاری
 خیانت کند، هرگاه نقد باشد و مثل آن چه نقد اگر جنس
 باشد و مثل قیمت همان جنس از فروش استرداد کرده
 بخزینه دولت داخل شود، علاوه بر آن بزرگتر از نصاب
 شرعی بکاه جنس، و از نصاب شرعی الی مبرار و سپهر از

یکسال الی سه سال حبس. و از هزار روپیه اضافه الی
 ده هزار روپیه از سه سال تا ده سال حبس. و اگر اضاف
 از ده هزار روپیه باشد از یازده سال الی پانزده سال
 حبس، و مطابق ماده (۲۲) از تأمیت طرد.
 (۶۴): — کیسکه اموال دولت را نقد و یا جنساً سقت نماید، اگر
 مطابق تمسک القضاة الایمانیه حد لازم نشود اضافه
 از نصاب شرعی الی یکصد روپیه یکسال حبس، اگر یکصد
 روپیه اضافه الی هزار روپیه از دو سال تا سه سال حبس
 و از هزار روپیه اضافه الی ده هزار روپیه از پنج سال تا
 ده سال حبس، اضافه از ده هزار روپیه از یازده سال
 تا پانزده سال حبس کرده میشود، و هرگاه نقد باشد
 دو مثل آن وجه نقد و هرگاه جنس باشد دو مثل قیمت همان
 جنس از نزد مجرم استرداد گردیده بخزانة دولت داخل میشود
 و مطابق ماده (۲۲) از تأمیت طرد و شمرده میشود.
 (۶۵): — کیسکه در وقت بیع و شراء اشیاء، بچساب دولت در معاملات
 خرید و فروش آن دست باری نموده خود از آن مستفید گردد
 از ارقاعه (۶۴) جزا می بیند.

نقد و جنس (۳)

(۶۶): — اگر متکین جرمها نیک در همین سه قاعده فوق بیان گردیده

لازمست دولت نباشد با وجود آنهم مانند بالا جزمی میند.

(۶۷): — هرگاه یکی از نامورین دولت حق یک آدمی را که از دولت

میگیرد تمامان داده یک قسم از خودش بگیرد [و مثل پیسه

گرفته گئی از وی استرداد گردیده چسبال حبس میشود].

هرگاه بواسطه شخص دیگر متکب این جرم گردد [خود نامور

با متکب جرم بطریق فوق جزا می بیند].

(۶۸): — هرگاه یکی از نامورین دولت، اجرت عمه را که براس کا

دولت استخدام نموده است کم بدهد و یا بیج نداده خودش

بگیرد [پیسه که گرفته است از خودش و مثل آن گرفته میشود

یک مثل آن حق اجوره عمه بوده با نهاد داده میشود، و

مثل دیگر آن بقسم جزا نقدی بخرینه دولت سپرده میشود

و خودش چسبال محبوس میماند].

(۶۹): — هرگاه یکی از نامورین دولت در مزائده واردات دولت

دست بازی نموده موجب نقصان آن گردد [از ناموریت

طرد و از یکسال الی سه سال حبس میشود، و بها نقد نقصانیکه

در واردات وارد نموده است از و بقسم تاوان گرفته میشود].

(۷۰): — هرگاه یکی از مأمورین دولت بر استنفاذ خود
 سزاوار علناً بالذات و یا علی طریق مشارک، در خریداری
 بعضی اسبابها نیکه بوزارت و یا اداره او لازم بوده
 از طرف دولت در آن مخصوص امر داده شده باشد، و یا
 در خرید بعضی اشیائی که بحساب دولت خریده میشوند
 و یا در فروش چیزهایی که از طرف دولت برای او
 سپرده میشود، مشارکت ورزیده بود [از مأموریت طرد
 و از یکسال تا سه سال حبس].

(۷۱): — اگر در خرید و فروخت این اموال سه کارگی اجرت
 و ساطت بگیرد [از مأموریت طرد و از یکسال تا سه سال
 حبس].

(۷۲): — مأمورینیکه برای خود، و یا برای دیگران پیشه سرکاری را
 برداشت مینمایند [از مأموریت طرد و از یکسال تا دو سال حبس]

* *

*

فصلنامه خراسانی (۴)

فصل پنجم

(کسانی که نفوذ مأموریت خود را استعمال بجانموده)

(و وظیفه مأموره خود را ایفا نمی نمایند)

(۷۳) — مداخله کردن مأمور بصورت جبر و تحکم در حق مدعی یا مدعی علیه

بنابر یک غرض و حایه، در حضور محاکم شرعیه عدلیه

و اداره [طرد از مأموریت] .

اگر مداخله بصورت رجا و التماس بوده باشد [از دوصد

الی دو هزار روپیه از پتمس جزای نقدی گرفته میشود] .

(۷۴) — اگر در نتیجه جبر و تحکم از محکمه بناحق یک حکم صادر گردد

[مأمور مداخله کننده از مأموریتش طرد و از ششماه

تا سه سال حبس] .

هرگاه در نتیجه رجا و التماس از محکمه بغیر حق حکم صادر شود

[علاوه بر آنکه از مأمور یک رجا و التماس نموده جزای نقدی

گرفته شود از دو ماه الی ششماه بندی هم میماند] .

(۷۵) — قاضی مای محکمه و اعضا مجلس مای مشوره علاوه

بر امضا نکردن بر مداخله که جبر او یا التماسا بوقوع آمده است

باید که احوال آنرا نیز بدولت اطلاع و اخبار نمایند
والا اگر در یکی ازین دو امر فروگذشت نموده بودند
[عزل از مأموریت] .

(۷۶) — رئیس مجلس و یا قاضی بایک محکم که معامله را
از روی جبر و التماس شنیده آنرا اجرا کرده باشند
[شش سال طرد از مأموریت و یک سال حبس] .

و اعضا باین [تنهائش سال طرد از مأموریت] .
(۷۷) — اگر یک مأمور در اجرا نکردن یکی از اوامر و قوانین و
نظامات دولت، و یا برای تحصیل نشدن اموال دولت
صرف نفوذ نماید [از سه سال تا پنج سال حبس] .

(۷۸) — اگر کسی باین طریق صرف نفوذ ینماید از مأمورین
دولت نباشند [از دو سال تا سه سال حبس] .

(۷۹) — هرگاه کدام وزیر و یا نائب الحکومه، و یا حاکم اعلیٰ حاکم
و علاقه دار، و مستوفی و سر رشته دار، و قاضی و مأمور
مالیه، و مدیران تجارت و زراعت و گمرک در داخل
منطقه مأموریت خود، تجارت خرید و فروخت ارزها
در دست خود گرفته بالذات اجرا نماید، این تجارت

خواه علنی باشد یا سری [از مأموریت طرد میشود و از
یک هزار الی بیست هزار روپیه جزای نقدی میدهد]
فقط در جائیکه هست اگر از خود الماک و اراضی داشته باشد
تجارت محصولات زمین های خودش ازین قاعده
مستثنی میباشد.

(۸۰) — هرگاه مأموریکه بلا عذر معقول، فرمانها و امرنامه هاییکه
دولت نشر نموده باشد نشر ننماید [طرد از مأموریت].

(۸۱) — هرگاه یک مأمور بلا سبب مقبول در ایفای وظیفه
خود غفلت و اجمال ورزد، و یا امری را که از طرف آتش
موافق به احکام قانونیه داده شده باشد اجرا ننماید، اگر
ازین عدم اجرا براس دولت یک ضرر برسد، نظریه
ضرر [از پنجاه روپیه تا ده هزار روپیه جزای نقدی]
و هرگاه از ان سیاست دولت یک ضرر برسد از
[دو سال تا سه سال حبس].

و اگر از ان براس یکی از رعایا یک ضرر مالی رسید
علاوه بر جزای فوق [تا وان همان ضرر از او
بگیر گرفته می شود].

فصل ششم

(تعدی مأمورین دولت بر رعایا)

(۸۲): — هرگاه یکی از مأمورین براسی اعتراف کنند چنانچه،
بریک شخص مظنون یا متهم باذیت و شکنجه او امر نماید،
و یا خود بالذات اجراء دارد [از مأموریت براسی همیشه
طرد، استرداد رتبه و نشان، حبس ده سال].
اگر آدم شکنجه شده از صدمه شکنجه و فاساد یابد،
[کسیکه شکنجه او را امر داده است جزا قتل را
می بیند].

(۸۳): — هرگاه یکی از مأمورین در حق یک مجبوس از طرز مجازاتیکه
قانون تعیین نموده است، بالاتر و سنگین تر از اجرائیات
و یا اجراسی آزاد بگیرد بفراید [از یک سال
تا سه سال حبس].

(۸۴): — هرگاه یک مأمور مخالف طرزیکه از قانون نشان داده است
بخانه یکی از رعایا داخل شود [از سه تا سه سال حبس].
اگر هم در خانه داخل شود و هم بخوابش خود، به اجراء

جستجو و تقییر قیام و اقدام نماید [از یک سال تا سه

سال حبس] .

(۸۵) : — اگر غیر از مأمورین یک آدم دیگر در خانه یک کسی بماند

خانه خودش باشد، جرّاً و یا خود تهدید و تخویفاً، و یا آنکه

خفتنا داخل شود [از یک ماه الی یک سال حبس] .

(۸۶) : — هرگاه یکی از مأمورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشترا

و یا به ادعای بی معنی ضبط کند و یا بفروشد [مال

و ملک که گرفته شده دوباره بصاحبش عیناً و یا بدلاً

اعاده میشود، خود مأمور طرد و از شش ماه تا سیال

(۸۷) : — اگر یکی از مأمورین دولت، از رعایا زیاده از محاصل

دولت یک چیز اضافه ستانی نموده آزاد گشته

خود بریزد [علاوه بر استرداد و چند مقدار یک گرفته است

از دو سال الی سه سال حبس] .

هرگاه خودش گرفته، و مبلغ اضافه را بخرینه دولت

تحويل نماید [همان مبلغ از خود او گرفته بصاحبش

واده می شود] .

(۸۸) : — هرگاه یک مأمور و یا یک رئیس سرکرده ای غیر از خدای

بموجب کدام نظام مناسره و یا فرمان پادشاهی امر شده
باشد رعایا را بیگار گرفته از آنها کار بگیرد [اولاً حق اجرت
عمله بیکار از وی گرفته بعمله داده میشود، و ثانیاً از ششماه
تا سه سال حبس میشود، و اگر از جمله مأمورین باشد
از مأموریت هم طرد میگردد].

(۸۹): — هرگاه از مأمورین دولت و یا آدمهای شان، و
یا منصبداران و سپاهیان نظامی و کوتوالی در خانه
رعایا و امانی فروکش گردیده مفت و جبراً اطعام بخورند
و یا بر اسپ یا خود جو و گاه و غیره بگیرند [قیمت شایسته
گرفته و خورده اند استر داد گردیده بصاحبانش
داده میشود، از مأموریت طرد و از یک هفته تا یک ماه
حبس].

اگر فوج نظامی در اثنای کوچ از یکجا بدیگر حاکم
آنچنین حرکت گردد [قیمت چیزهاییکه گرفته شده باشد تقسیم
تاوان از منصبدار فوج که با ایشان درین جرم شریک بود
گرفته میشود، و خود منصبدار و ردیوان حرب در تحت مجاز
آمده از خدمت عسکری طرد، و از یکسال تا سه سال محبوس میماند].

فصل هفتم

(کسانیکه بر امورین دولت مخالفت کنند)

(و به آنها بے اطاعتی یا تحقیر نمایند)

(۹۰): — کسیکه بر امورین دولت را در اثنای ایقاع و طیفه شان

و یا در یک امری که متعلق خدمت شان باشد از کلام

سببه برای شکستادن قدر و ناموس شان تحقیر کند، و یا

در حق شان اطلاله لسان یعنی زبان درازی نماید و یا

خود تحویف نماید [از یک هفته الی یک ماه حبس].

اگر این معامله در اثنای یک محکمه و یا یک مجلس مشور

بکار مشغول باشد واقع گردد [از شش ماه تا یک سال حبس]

و یا از دو صد الی چهار صد روپیه جزای نقدی].

(۹۱): — کسانیکه سپاهیان منصبداران نظامی و کوتوالی و

پولیس را در اثنای طیفه شان حقارت کنند [از

یک هفته الی یک ماه حبس، و از بیست روپیه تا دو صد روپیه

جزای نقدی].

اگر در اثنای این حقارت سلاح بهم کشیده شود،

نظامنامه جزای عیون از جمله (۹۰)

یکسال حبس [۰]
 (۹۲) — کسانیکه یکی از مأمورین و یا از سپاهیان منصبداران
 نظامی و کوتوالی و پولیس را در اثنای ایفای وظیفه
 و یا بخاطر وظیفه شان که ایفا نمینمایند، ضرب و جرح
 و یا اینکه جبر و تشدد نمایند [علاوه بر جزای مستلزم
 ضرب و جرح، از یکسال تا سه سال حبس] [۰]

فصل هشتم (کسانیکه مجوس را میگیرانند، و یا ارباب جنایت)

(میدانند و حمایت مینمایند)
 (۹۳) — هرگاه انپیش سپاهی یا منصبدار نظامی و پولیس که
 بر محافظه یک مجوس مأمور باشند بسبب غفلت
 و بی پروائی مجوس بگریزد و نظر بدرجات اسهال و غفلت
 شان اگر مجوس محکوم باعدام باشد [از هشت
 تا ده سال حبس] [۰]
 و در باقی آن از ربع تا ثلث میعاد حبس مقرر مجوس
 پوره میکند [۰]

نظامنامه خراسانی (۵)

و اگر مجبوس مذکور را قصد بگیریز اند [بهرگاه مجبوس با علم
محکوم باشد پانزده سال حبس، و پانزده سال از آن نصف
مدت محکومیت مجبوس جزای حبس می بیند].
و هرگاه مجبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد و در باره
او حکم محکوم صادر نشده باشد و قصد او را بگیریز اند [از
سه تا چهار سال حبس].

(۹۴) — هرگاه یکی از رعایا اسبابی را که فرار مجبوسین را
تسهیل نماید تهیته و تدارک کند [از یک سال تا سه سال
حبس].

(۹۵) — کسانی که برای تسهیل فرار مجبوسین برای شان
سلاح و سائر تدارک نمایند [از ده سال تا پانزده
سال حبس].

(۹۶) — کسانی که یک بندی فراری دیا اشخاص متهم با بجنایت
شناخته حمایت ینمایند [از یک سال تا سه سال
حبس].

و خویشاوندانش از اصول و فروع از قبیل پدر و مادر
و ازواج و اولاد شخص مذکور از مجازات معاف میباشند.

فصل هفتم

(کسانیکه مهر را می شکند، و یا اشیاء را می دزدند)

(و اوراق رسمی می دزدند)

(۹۷) — از طرف مأمورین دولت مهریکه برای حفظ بعضی اشیاء

و یا اوراق و یا کد ام محل وضع شده باشد، هرگاه آن

مهر از سبب غفلت و سهل انگاری کسیکه بجا فطه

آن مأمور است شکسته شود [از مأموریکه غفلت

نموده است از دزد و پویه تا یک هزار روپیه جزا

نقدی گرفته میشود].

(۹۸) — کسیکه مهر را شکسته باشد [از ششماه

تا یکسال حبس].

اگر مهر را خود همان مأموریکه بجا فطه آن گذاشته شد

شکسته باشد [از یکسال تا سه سال حبس].

(۹۹) — علاوه بر شکسته شدن مهر هرگاه بعضی اشیاء

و اوراق هم دزدی شده باشد [بعد از تاوان

اشیاء از پنجم سال تا ده سال حبس].

(۱۰۰) :- کسیکه اوراق رسمیه دولت را سرقت و یا مخو

و اتلاف نمایند [از یکسال تا دو سال حبس] .

اگر سرقت و یا مخو و اتلاف آن از طرف مأموریکه محافظ

آن است بعمل آید [از سه سال تا پنج سال حبس] .

و اگر سرقت و یا مخو و اتلاف آن از غفلت و سهل انگاری

مأموریکه محافظ آن است بوقوع آید [تجاوز یکماهه اش

بقسم جزای نقدی گرفته میشود، و از یک هفته تا یکماه

حبس] .

(۱۰۱) :- اگر شکسته شدن مهر و سرقت اوراق رسمیه و

مخو و اتلاف آن از طرف بعضی اشخاص بصورت

هجوم بر محافظ آن بعمل آید، هر یک از هجوم کنندگان

[از پنج سال تا ده سال حبس] .

(۱۰۲) :- هرگاه مأمور پوسته خطوط رسمی و خصوصی که به پوسته

خانه او سپرده میشوند، آنرا بکشاید، و یا در کشادن

آن مساعد نماید [از بیست روپیه تا صد روپیه

جزای نقدی، و از یکماه تا سه سال

حبس] .

فصل دهم

(کسانیکه بی اختیار و مأذونیت، بخودها)

(صفت رسمیه اضافه مینمایند)

(۱۰۳) - کسیکه بی صلاحیت و مأذونیت، خود را چنان

نشان بدهد، که گویا بیک منصب ملکی و یا نظامی منسوب

بوده علا و تأ به ایفا سے وظایفیکه بآن منصب عاید است

جرات ورزد [از یکماه تا دو سال حبس]

(۱۰۴) - کسیکه بدون مأذونیت دولت مبر خود عقده ای و بحق

رسانی کس را نماید [از یکماه تا یکسال حبس]

(۱۰۵) - کسیکه اموال غیر منقوله را که از نزد وی حکماً گرفته شده

و مستحق تسلیم گردیده باشد، بالنگر از ضبط نماید

[از یکسال تا دو سال حبس]

(۱۰۶) - کسیکه نشانی را که از طرف حکومت براساس اودا

نشده باشد بیاویزد، و البته رسمیه بالاتر از رتبه

خود را بپوشد، و یا در حالیکه هیچ رتبه نداشته باشد لباس

رسمی بپوشد [از یک هفته تا یکماه حبس]

فصل یازدهم

(کسانیکه سلسله اخبارات تلغراف)

وتلفون را خراب کنند)

(۱۰۷) :- کسانیکه آلات تلغراف و تلفون را قصدًا خراب

نمایند [علاوه بر دو چنان قیمت ضرر از سه ماه

تا دو سال حبس].

(۱۰۸) :- کسیکه سیم تلفون و تلغراف را بریده و چوب

یا می آنرا انداخته، موجب تعطیل و تعویق اخبارات

گردد [از یک سال تا سه سال حبس، و از پنجاه

روپیه الی دو هزار روپیه جزای نقدی].

(۱۰۹) :- اگر این معاملة بریدن و تخریب سیم یا تلفون

و تلغراف، در اشای یک مجاریه و یا اختلال

بوقوع آید [اعدام].

* *

*

فصل دوازدهم

(قلب چلا نحصا)

(۱۱۰) — کسانی که مسکوکات قلب میسازند، و قلب چلان می کنند [از ده تا پانزده سال حبس].

(۱۱۱) — کسانی که پینه قلب نادانسته داد و ستد نمایند، هیچ مستحق جزا نمی شوند، فقط بعد از آنکه قلب شناسی آموخته باز بهم بچلانند آن کوشش ورزند [از بیت روپیه تا صد روپیه بجزای نقدی محکوم می شوند].

— — — — —

فصل سیزدهم

(کسانی که سند و یا مهر ساخته گی می سازند)

(۱۱۲) — کسانی که فرمانها، پادشاهی و مهرهای حکومت

و مهرها و امضای نامورین دولت، و اوراق و

سنداتی که تعلق بدفترها باشد تقلید و تحریف نمود

استعمال کنند [هرگاه از آن منفعت حاصل گردد]

نظارت و برای محوری فرستاد (۵)

دو چند بهمان مقدار از وکے جز اسے نقدی گرفته

شده، از ده سال تا پانزده سال حبس [] .

هرگاه از فرمان ساخته گی پادشاهی بدولت یک

ضرر کلی برسد [اعدام] .

کسانیکه اینگونه اوراق ساخته گی و محرف بدست آورد

استعمال نمایند [از پنج سال تا ده سال حبس] .

(۱۱۳) :- هرگاه یکی از مأمورین خواه در میان سطرناک اعلام

و فیصله آرا و سندات و سایر سجلات دفاتر

که در اشناک ایفاک وظیفه خود مینویسند،

یا بتغییر خط و خاتم و امضا و یا در صورت نوشتن

اسم یک شخص بعضی شخص دیگر تحریفات نموده اینگونه

ساخته کاری نمایند [از ده سال تا پانزده

سال حبس] .

(۱۱۴) :- هرگاه یک مأمور در اشناک ایفاک وظیفه خود، در وقت

نوشتن اوراق رسمیه که تنظیم میکند، یک چیز را

که یک آدم نگفته است بقسم گفته گی او، و چیزی را که

گفته باشد برعکس آن نوشته بدینصورت ساخته کاری نماید

- [ازده سال تا پانزده سال حبس] .
- (۱۱۵) — رئیس مایه مجلس وقاضی مایه محکمه که اوراق ساختگی
وقاعده مایه فوق الذکر را دانسته در موقع اجرا بگذارد
- [ازده سال تا پانزده سال حبس] .
- (۱۱۶) — کسانی که به اواره مایه لک بک بیان نامه مایه بیجک مایه
ساخته گی و محرف و خلاف حقیقت را ابراز نمایند
[از یک هفته تا یک ماه حبس، و از دو صد روپیه تا دو هزار روپیه
جزای نقدی] .
- (۱۱۷) — کسانی که خواه براسی خلاص کردن خود و یا دیگران
از خدمت دولت بنام طبیب مایه شهادت نامه
ساخته گی بپسازند [از یک سال تا سه سال حبس] .
- (۱۱۸) — همچنان طبیب مایه و جراح مایه که خواه مبنی بر شوت و خوا
بنابر خاطر و التماس برای رمانیدن یک آدم
از خدمت دولت شهادت نامه کاذب بدهند [از یک سال
تا سه سال حبس] .
- (۱۱۹) — کسانی که بنادانی و ناشناسی چیزهای ساخته گی و تقلای
استعمال میکنند [از جزا معاف هستند] .

جزا معاف

فصل چهاردهم

(آتش زنده گان)

(۱۲۰) — هرگاه یک آدم در داخل شهر و قریه بخانه کس قصداً

آتش زده باعث سرایت کردن آن به بنای دیگر گردد، حریق و سوخته گی که بدین صورت ظهور کند

فاعل آن [اعدام] .

و اگر از بنا بخانه بخانه دیگر سرایت نکند

[حبس دوام] .

و اگر چه سرایت نکند و موجب تلف نفس یکی از

امالی بنا بخانه گردد [اعدام] .

(۱۲۱) — کسی که خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع

یافتن حریق تشبث بنماید، و لاکن فعل آورده نتواند

[از پنجمال تا به ده سال حبس] .

(۱۲۲) — کسی که چوبها را بریده و محصولات در دیده را

مانند خرمن و غیره آتش بدید [بعد از تاوان بصلابتش

از سه سال تا پنجمال حبس] .

(۱۲۳): — هرگاه حریق که قصد از طرف آتش زنندگان بوقوع آید موجب وفات انسانها گردد [شر را نکیزان اعلام می شوند].

(۱۲۴): — کسیکه یک آدم را با آتش زدن امر و اجبار نماید اگرچه آتش زده گی بوقوع نیاید [شخص جابر از سبیل تانجسال حبس].

فصل پانزدهم

(در خصوص شراب)

(۱۲۵): — واقفانستان ساختن شراب و استعمال و اذغال آن و سكرات دیگر بمملکت بالکلیه ممنوع است، مگر چرخ و بنک که از محصولات افغانستان است، تنها استعمال و خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع است، اعمال و اخراج آن بمالک خارج ممنوع نیست.

(۱۲۶): — کسانی که علناً شراب نوشی نمایند [هشتاد و هفت] میشوند، و فی دة (۱۰) روپیہ جزای نقدی.

(۱۲۷): — کسانی که خفیتاً شراب نوشی نموده، از آثار بیانیته

یعنی از بعضی قرائن و استدلالات خفیتاً شراب نوشی

شان بقرار شرعی ثابت گردد [هشتاد و در ضرب

میشوند، و فی درّه (۱۰) روپیه جزای نقدی].

(۱۲۸): — کسانی که شراب ب دیگران میفروشند [هزار روپیه

جزای نقدی و سه سال حبس].

(۱۲۹): — کسانی که شراب سازی نمایند، بعد از اتمام

شراب او [هزار روپیه جزای نقدی و سه سال حبس].

(۱۳۰): — کسانی که از خارج شراب را با افغانستان داخل نمایند

[شرایش اتمام و بقدر نصف قیمت شراب از وی

جریمه گرفته میشود، و تا سه سال حبس].

همه قواعد این فصل خاص به اهل اسلام و تبعه افغانیه

عاید است، فقط در باره تبعه اجنبی کسیکه برای تجارت

با افغانستان شراب را داخل کند و یا به افغانها

بفروشد بموجب قاعده های فوق جزا می بیند.

(۱۳۱): — کسانی که چرس و بنگ میکشند و یا بتریاک میخورند،

هرگاه ستن شان از (۲۵) کم باشد [از ۲۵ تا ۳۹

- دره جزای ضرب .
 و هرگاه زیاده تر از (۲۵) باشد و نوعاً عادت کند
 [از ۵۰ تا ۷۵ دره جزای ضرب] .
 برای کسانی که از سابق گرفتار چرس و بنگ باشند
 تا دو سال معاف، بعد از دو سال [از ۵۰ دره الی
 ۷۵ دره ضرب] .
 برای تریاکیان عملی [نصیحت مؤثره] .



فصل شانزدهم

- (کسانی که بازنگر بازی میکنند و یا مانند آن حرکت)
 (مخالف اخلاق و آداب عمومی نمایند)
 (۱۳۲) : — کسانی که علناً و یا خفیتاً بازنگر بازی کنند [شش ماه
 حبس، و از چهار صد الی پنج صد روپیه جزای نقدی] .
 (۱۳۳) : — کسانی که علناً و یا خفیتاً بازنگر بازی کنند [یک سال حبس] .
 (۱۳۴) : — هرگاه پدر و مادر یک بچه در پیش روی خود همان بچه را بر قیدین
 مساعد نمایند [دو صد روپیه جزای نقدی] .
 (۱۳۵) : — برای هر دسته بازنگر فی نفر [ده روپیه جرم] .

باب دوم

فصل اول

(جنایت یا جرمہائیکہ در حق اشخاص بوقوع میرسند)

(۱۳۶) — در مسائل قتل و جرح براساس تفصیلات احکام قصاص

ودیت، قاضی باید که بکتاب استک القضاۃ الامانیۃ

مراجعت بکند.

(۱۳۷) — قتل عمد: قتل عمد قلیست که باستعمال آله قاتله قصد

حادث شود، چون سلاح و باقی اسباب کشتنی.

قتل شبه عمد: قلیست که بغیر سلاح و آلات کشتنی

بمقصد اتمام حادث شود.

(۱۳۸) — هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید

[قصاص].

(۱۳۹) — هرگاه فاعل قتل عمد نامعلوم باشد [دیت از قله

گرفته میشود].

(۱۴۰) — هرگاه قاتل فعل قتل عمد اقرار باشد، و ورثه مقتول او را

- عفو نمایند [ده سال حبس] .
- (۱۴۱) :- هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را که بر فعل قتل عمد
اقرار کرده عفو نماید بعد از دیت [پنج سال حبس] .
- (۱۴۲) :- و اگر بسبب قومداری و لحاظ پیسه داری قاتل از طرف
ورثه مقتول عفو شود [بهمه حال از طرف دولت حکم
قتل در باره اش در معرض اجرا گذاشته میشود] .
- (۱۴۳) :- هرگاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمر بر
بعل آوردن یک جنایت عظیم مردمان دیگر را غدرانه
اشکنجه و یا اذیت نماید سیاستا بجزای قاتل
محکوم میشود .
- (۱۴۴) :- هرگاه شخصی بصورت شبهه عمد که را بقتل رساند
[دیت شرعی] .
- (۱۴۵) :- هرگاه شبهه عمد مکرر شد [سیاستا اعدام] .
- (۱۴۶) :- اگر دیت شرعی داده نتواند، بعوض هر هزار پاره
دیت [یک سال حبس] .
- (۱۴۷) :- اگر ورثه مقتول دیت را عفو کند [یا سه و نیم هزار
روپیه و یا سه و نیم سال حبس] .

دیت شرعی

(۱۴۸) - و اگر عفو در حق یک قوم دار و دولت مند باشد

[یا پنجاه روز و یا پنجاه سال حبس]

(۱۴۹) - کسی که جسد یک مقتول را اخطا نماید، و یا بانه

حکومت خبر بد بد دفن کند [از یک ماه تا یک سال حبس]

(۱۵۰) - هرگاه شخصی شخص دیگر را الت و کوب و یا جرح نمود

و موجب قطع و شکستن و سقوط عمل یعنی از کار

بر آمدن یکی از اعضایش گردد علاوه بر دیت شرعی

در صورت عمد از [دو سال الی سه سال حبس]

و از غیر عمد [از یک سال الی دو سال حبس] میشود.

(۱۵۱) - شخصی که شخص دیگر را الت و کوب و یا مجروح نمود

زیاده از بیست روز موجب از کار پس ماندن او

گردد، اگر مطابق احکام تمسک القضاة الامانیه

قصاص و یا دیت لازم نباشد بعد از ادا

اجر طبیب و مرهم بها [از یک سال تا دو سال حبس]

(۱۵۲) - اگر مضروب و یا مجروح کم از اندازه که در قاعده

فوق بیان شد متاثر و معطل گردد شخص زنده

و جرح کننده اگر مطابق احکام تمسک القضاة الامانیه

دیت و یا قصاص لازم نشود بعد از مرهم بها [از یک هفته
تا یک ماه حبس].

(۱۵۳): — کسیکه محض تعرض تخویف و تهدید سلاح بکشد
[از یک ماه تا سه ماه حبس].

(۱۵۴): — کسانی که از آبا و اجداد و اقهار خود یکی را ضرب و صدمه
نماید هرگاه ضرب و جرح موجب یک بیماری مرض گردد
[از شش ماه تا یک سال حبس].

و اگر زیاده از بیست روز موجب بیماری گردد [از یک ماه
تا دو سال حبس].

و اگر سبب سقوط یکی از اعضا شد علاوه بر دیت شرعی
و قصاص [از سه سال الی پنج سال حبس].

(۱۵۵): — کسیکه مقصد قتل و اسلحه نمود [پنج سال حبس].

(۱۵۶): — کسیکه خطا سبب تلف یک آدم گردد، اگر کیفیت
قتل از عدم وقت و یا عدم رعایت بنظامات صادر
گرویده باشد [بعد از دیت شرعی از شش ماه
تا یک سال حبس].

(۱۵۷): — هرگاه شخصی خطا شخص دیگر را مجروح بسازد [بعد از دیت

تأیید عمل

شرعی که ادا نماید اگر کیفیت جرح از عدم رعایت

بنظامات پیش آمده باشد از یکماه تا شش ماه حبس [۰]

(۱۵۸): — هرگاه یک شخص به امریک آمرجا بر شخصه راجب را و کراما

قتل کند و یا ضرب و جرح نماید، جزای قاتل و ضارب

و جارج در حق آمرش اجرا میشود.

(۱۵۹): — هرگاه کسی در هنگام شب و یا روز شخصی را ببیند

که بخانه و یا بدکانی زردبان کند آشته می براید

و قفل و یا زلفی که در زیر قفل است آنرا میکشد و میکند

و یا دیوار یکخانه مسکون را سوراخ و یا دروازه اش را

لنگ میزند، و یا در صحرا و دشت مال را جبر اگر فتن

بخوابد و بغرض بازداشتن و ممانعت، صاحبخانه

و یا صاحب مال شخص مرتکب را قتل و جرح نماید،

و بغیر قتل و جرح امکان نداشته باشد قاتل و جارج

شخص مذکور از جزای قاتل و جارج بکلی معاف دانسته

میشود.

(۱۶۰): — کسیکه در خانه خود مردیگانه را با حرم خود دیده او را

بقتل رساند نیز از جزای معاف دانسته میشود.

(۱۶۱): — شخصیکه نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت
عدم ایفاءِ مطلوبات خود او را محو و اعدام خواهند نمود
[از سه سال تا پنج سال حبس].
اگر تهدید شفاهاً بوقوع آید [از سه ماه تا یک سال حبس].

فصل دوم

(جنج و جنایاتیکه متعلق باسقاط جنین هستند)

(۱۶۲): — زنیکه بآستعمال وسایط مخصوصه، و یا از طرف دیگری
بآستعمال آن رضاداده موجب اسقاط جنین خود گردد
[علاوه بر تاوان شرعی دو صد روپیه جزای نقدی
و از شش ماه تا یک سال حبس].

(۱۶۳): — کسیکه برضایگزین تدارک وسایط مخصوصه نموده
جنینش را اسقاط نماید [علاوه بر تاوان شرعی
دو صد روپیه جزای نقدی، و از یک سال تا دو سال
حبس].

(۱۶۴): — هرگاه درین اثنا حادث وفات گردد، مسقط جنین:

[علاوه برتاوان شرعی از پنج سال تا ده سال حبس] آن
 (۱۶۵): — در صورتیکه بدون رضا زن و سایط مخصوصه استیحا
 کرده شود، و یا افعالی مانند ضرب و جرح موجب سقوط
 جنین گردد، فاعل [علاوه برتاوان شرعی از پنج سال
 تا ده سال حبس] .

(۱۶۶): — اگر در اثنا باینگونه اسقاط جنین زن وفات نماید
 [علاوه برتاوان شرعی پانزده سال حبس] .
 (۱۶۷): — هرگاه پیشین جنایت را یک طیب یا قابل اجرا
 نماید [علاوه بر جزا مانیکه در قاعده مانیکه پنجگانه معین است]
 در حکم هر قاعده که داخل باشد، مقدار جزای قاعده مذکور
 یک بر یک نیم علاوه میشود] .

فصل سوم

(کسانی که بتک عرض نمایند)

(۱۶۸): — هرکسیکه باینچه فعل شنیع اجرا نماید [اعدام] .
 (۱۶۹): — اگر مفعول کمتر از ده سال باشد [از جزا معاف] .

و اگر کمتر از پانزده سال باشد [۱۱ دَره] .
 و اگر عمر مفعول زیاده از پانزده سال باشد، و جبراً فعل
 شنیع در حق او اجرا شود [از جزا معاف] .

(۱۷۰) : — اگر مفعول عمرش زیاده از پانزده سال بوده برضا
 و رغبت خود بفعل شنیع تن داده باشد [اعدام] .

(۱۷۱) : — اگر کسی برابر بچه بازی بچه نگاه کند [از هزار روپیه
 الی پنج هزار روپیه جزای نقدی، و پنج سال حبس] .

(۱۷۲) : — اگر کسی در حق دختر خانه یا گره که هنوز بشوهر نرسیده
 باشد فعل شنیع اجرا کند، هرگاه زمانی محض عیالدا
 باشد [اعدام] .

و هرگاه محض عیالدار نشده باشد: زانی {صدقه} .

(۱۷۳) : — هرگاه یک مرد محضن با یک زن محضنه برضای

جانبین فعل شنیع اجرا نماید: زانی {اعدام} .

(۱۷۴) : — اگر یک مرد غیر محضن با یک زنیکه شوهر زن یک عسکری

باشد، که در مقابل دشمن مجاربه است: زانی {اعدام} .

(۱۷۵) : — اگر کسی یک زن شوهردار را که شوهرش خواه در سفر

و خواه در حضر و خواه زن عسکری و خواه از ائالی باشد

بطور جبر و یا حیلہ بگیریز اند [۷۹] در ضرب ده سال
جبر [] .

در صورت جبر و حیلہ زن شوهر دار از جزا معاف، و در
صورت رضا به جزا اسب مذکور گرفتار میشوند .

(۱۷۶) - اگر کسی یک زن بیوه را و یا یک دختر را بطور جبر و
یا حیلہ بگیریز اند [۳۹] در ضرب و سبب [] .

(۱۷۷) - اگر یک مرد زن یک عسکر را بگیریز اند، هرگاه شوهرش
مسافر باشد [اعدام] و هرگاه حاضر باشد [۳۹] .

(۱۷۸) - هرگاه شخص غیر محصن با یک زن محصنه فعل شنیع اجرا
نماید، زانی [صدوره] زانیه [اعدام] .

(۱۷۹) - هرگاه یک شخص غیر محصن با یک زن غیر محصنه
زنا کند زانی {صدوره} .

(۱۸۰) - اگر یکی از طرفین در ارتکاب فعل شنیع جبراً مجبور شده
باشد [مجبور از جزا معاف است] .

* *

*

فصل چهارم

(شاهدی دروغ و قسم ناحق)

(۱۸۱): - کسانی که در طرفداری و یا مخالفت یک شخصیکه بقوه
متعلق جنایات متهم گردیده باشد شاهدی ناحق بدهند
[دره و تشهیر] ۳۹.

(۱۸۲): - کسانی که در طرفداری و یا مخالفت متهم جنم و قباح
شاهدی ناحق بدهند [دره و تشهیر] ۳۱.
کسانی که متعلق مسایل حقوقیه شاهدی دروغ و یا قسم
ناحق بخورند [علاوه بر مقدار نقصانیکه بصاحب حق
رسیده، ۳۹ دره و تشهیر].

فصل پنجم

(بهتان و افترا)

(۱۸۳): - هر کس بجهت بقوه اجرائیه و یا بقوه عدلیه و یا بیک نامیکه
وسط رسانیدن کیفیت است، باین دو قوه اجناس

بازای عیون

و یا شکایت نامه داده بیک شخصیکه بیگناهی اورا محقق
میداند، یا از برای غرض بیک مأمور بیک
گناه را اسناد کند، و یا خود در مخالفت آن شخص آثار
دلائل مادی بسازد:

هرگاه جرم اسناد کردگی از نوع قباحت باشد منقری
[از یکماه الی ششماه حبس].

هرگاه جرم اسناد کرده گی از نوع جنحه باشد [منقری
از ششماه تا دو سال حبس].

هرگاه از نوع جنایت بوده و شخص اقرار شده از سلب
آن توقیف گردیده باشد [از پنجسال تا ده سال حبس].
هرگاه از نوع جنایت بوده و منقری علیه توقیف
نشده باشد [از دو سال تا سه سال حبس]

(۱۸۴) — هرگاه شخصی برخلاف شخص دیگر قذف یعنی جرم اسناد
زنار را ارتکاب کند:

قاؤف بر طبق فصل مخصوص تنسک القضاء الاثم
[۸۰ دره ضرب میشود].

(۱۸۵) — هر کسیکه برخلاف دیگر تعیین یک جرم مخصوص

و یا به بیان کردن یک ماده مخصوصه که تشکیل جرم نماید،
 مردمان را بحقارت و خصومت خود معروض داشته، و
 یا کسی را با اسناداتی که موجب کسر ناموس و اعتبار
 او باشد ذم کند [از دو ماه تا یک سال حبس].
 (۱۸۶) — برای اینکه ذم مذکور مستلزم جزا باشد، واقع گردیدن
 آن یکی از صورت هاییکه در ذیل نشان داده شده شرط است:
 اولاً: — در مواجهه متجاوز علیه در یک مجلس و یا در یک محلی
 دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشد.
 ثانیاً: — باید در غیاب متجاوز علیه، و لاکن بایک چند اشخاص
 مجتمع و یا متفرق اختلاط کرده اجرا شود.
 ثالثاً: — باید بصورت رسم و نوشته و قاریقا توره که
 بر عموم نشر و تشهیر میگردد، و یا بر بعضی مردمان
 قوی تر منع گردیده باشد و یا مکتوب گشاده که براه
 است به متجاوز علیه فرستاده شده باشد
 و یا بواسطه ورقه پوست وقوع یافته باشد.
 رابعاً: — باید با هر رقم جزای و رسایل یومی و موقته،
 و هر نوع مطبوعات و سایر نشریه واقع شود.

بزرگای محترم

(۱۸۷): — هرگاه بر خلاف شخصیکه با ذم دچار تجاوز گردیده است
از سبب ماده که موضوع ذم است تعقیبات قانونیه
اجرا شود و متحقق شود که متجاوز بیکناهی شخصی را که بر او
تعرض واقع گردیده، دانسته در صدد و پیوستن
اسنادات به اوست از زمان ذم با فترت منقلب گردیده
مطابق قاعده که درباره اقرار است حکم داده میشود هرگاه
شخصیکه ارتکاب جرم ذم را نموده درباره برائت فترت
خود اثبات صحت و یا شهرت فعلیکه بر متجاوز علیه اسناد
نموده بخواند این ادعایش قبول نمیشود.

(۱۸۸): — هر یک که بدون تعیین کدام ماده مخصوصه یک صورت
دیگر بر ناموس و یا شهرت، و یا حیثیت یک شخص
دیگر مرتکب فعل (قدح) گردد [از نگاه تاش شماه
حبس میشود، و یا در مقابل این جزای سه حبس از دو
روپیة الی دو هزار روپیة جزای نقدی میدهد].
جرم (قدح) نیز یکی از صورت ماسب چهارگانه که
درباره ذم ذکر شده لازم است که بوقوع بیاید، فاعل
قدح هرگاه اثبات کردن چیز ماسب را که اسناد

کرده است ادعا نماید سموع نمیشود .

(۱۸۹) : — هرگاه بدون ذم و قبح یکی برخلاف دیگری اظهار

لسان نماید، وی بیک اشارت مخصوصه اجرا حقارت

نماید، حقارت کنند [از پانزده روز تا یکا حبس،

و یا در مقابل این حبس از پنجاه روپیه تا صد روپیه

جزای نقدی میدهد].

(۱۹۰) : — اطبا و جراحان و عطاران و قابله‌ها اسرار شخصیه را که

باقضای صنعت شان با آنها سپرده میشوند در

غیر احوالیکه قانوناً به اخبار آن مجبورند افشا نمایند

[از بیست و چهار ساعت الی یک هفته حبس، و از

ده روپیه الی چهل روپیه جزای نقدی].



فصل ششم

(سرقت کنندگان و دزدان)

(۱۹۱) : — هرگاه از میان دو نفر و یا زیاده از آن تنها یکی فرشان

مسلح بوده در اشاعه شب دیوار یکخانه و یا دکانیکه

در آن انسان اقامت میورزد شکافته، و یا آنکه قفل آزا
شکستاده، و یا خود خویش تن را مانند مأمورین دولت
نشان داده و یا یک امر ساخته گی که از یک مأمور دولت
گرفته باشد ابراز نموده بدرون داخل شده و آنجا جبر و
شدت نموده دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک
القضاة الامانیة حد لازم نشود [بعد از تاوان هر یک
از دزدان حبس دوام].

(۱۹۲) — هرگاه دزد کس و یا زیاده بران بیک خانه درآمده با اجراء
معامله جبر و شدت دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک
القضاة الامانیة حد لازم نشود، هر یک از دزدان؛
[از ده سال تا پانزده سال حبس].

اگر در اثنا ب معامله جبر و شدت یک آدم را مجروح
سازند [اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیة حد و
جزا لازم نشود، بعد از تاوان، حبس دوام].

(۱۹۳) — هرگاه در یک خانه که کس اقامت نداشته باشد،
بصورتیکه در دو قاعده فوق بیان شد داخل گردیده
دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیة

حد لازم نشود، [بعد از تاوان از پنج سال تا ده سال

حبس].

(۱۹۴) — هرگاه هنگام شب یکچند نفر یکجا شد در راه عام دزدی نمایند

اگر بمطابق تمتک القضاة الامانیة حد لازم نیاید [دوازده

سال حبس].

(۱۹۵) — کسانی که بغیر از همین چند صورت مانیکه در قاعده مانیکه

فوق بیان گردیده بیک رقم دیگر دزدی کنند،

عموماً اگر بمطابق تمتک القضاة الامانیة حد لازم نشود

بعد از تاوان مال [از یک سال تا سه سال حبس].

(۱۹۶) — هرگاه عتراده چچی مانیکه و کراپیش مانیکه اشیائے راکه حمل و نقل

نمایند دزدی کنند، بعد از تاوان شرعی [از یک سال

تا سه سال حبس].

(۱۹۷) — هرکسیکه اسب و سایر حیوانات سوار می و بار می و عتراده

و مانند زگا و ماده گاو و حیواناتی را بدزد، اگر

بمطابق تمتک القضاة الامانیة حد لازم نشود [دوازده

تاوان از یک سال تا سه سال حبس].

(۱۹۸) — هرکسی که آلات و ادوات زراعت و مینر میگیرد

فراهم و حضار گردیده باشند، و چوب تعمیر مرغهای
خانگی و کشتکار در درو و نادر و درو را بدزد، اگر
بمطابق تمسک القضاة الالمانیه حد لازم نشود [بعد از
تاوان از سه ماه تا یکسال حبس].

(۱۹۹) — هر کس یک کلید را تقلید کند، و یا یک رقم آله که

قفل را بکشد بسازد [از سه ماه تا یکسال حبس].

(۲۰۰) — هر کس یک جز از دست شخصی یک حجت نقدی و سند

قرض را بگیرد [از پنج سال تا ده سال حبس].

فصل هفتم

(کسانی که در امانت خیانت کنند)

(۲۰۱) — کسی که یک کودک را بیک چیز، راضی قانع گرداند

بجمله از دست وی سند دین یعنی حجت یا خود کدام

ورقه ابر او تعهد را بگیرد [هرگاه بگوید که نفصان میدهد

باشد، تاوان آنرا میدهد و علاوه بر آن ربع مقدراً

خسارت بقسم جزای نقدی از وی گرفته میشود،

و هم از ششماه تا دو سال حبس میماند.

(۲۰۲): — هرگاه کسی بربیک کاغذ سفید مهر دار و یا امضا دار که

به او امانت تسلیم گردیده باشد، امانت داری خود را

سوء استعمال نموده بنام صاحب مهر و امضا عبارتیکه

تضمن تعهد و یا ابر بوده، و یا خود بر آن یک سند

بنویسد که صاحب امضا را ذاتا و یا مالا نقصان

برساند بعد از تاوان شرعی [از یکسال تا دو سال

حبس، و از دو صد روپیه الی هزار روپیه جزای نقدی].

(۲۰۳): — کسیکه بصورت امانت و وکالت سندات، و اوراق

اموال، اشیاء و نقود و سائر که به او تسلیم گردیده باشد

بصاحبش اعاده نموده پنهان و یا ضایع کند، بعد از

جزای شرعی [از ششماه تا دو سال حبس].

(۲۰۴): — هرگاه شخصی سند شخص دیگر را که بر حسب اثبات دعوی

در محکمه ابراز میکند، و یا یکت کاغذ دیگر را بر حسب اطلاع

یافتن محکمه بدزد و یا پنهان کند [از پنجاه روپیه تا دو صد

روپیه جزای نقدی].

فصل هشتم

(قمار بازان)

(۲۰۵) — کسانی که قمار میزنند [مال قمار ضبط و هر یک از قماربازان
۳۹ دره ضرب] .

(۲۰۶) — کسانی که در خانه و دکانها سه خود پنهانی قمار بازان را
آورده از آنها حق نعل میگیرند [از صدر و پیه الی تحصیل
جزای نقدی، و ۳۱ دره ضرب] .



فصل نهم

(کسانی که مردم آزاری و بیهوده خرجی میکنند)

(۲۰۷) — کسی که آلات و ادوات زراعت و صنعت دیگر را
بشکند و یا خراب کند [بعد از تاوان آن از یک هفته
نایکا حبس] .

(۲۰۸) — کسی که حیوانات سواری و بارگیر اسب عراده ساز
حیوانات دیگر را قصد اطلاق نماید [بعد از تاوان آن

بصاحبش بچسبند مقدار تاوان جزای نقدی از وی
گرفته میشود.

۵۰۹: — کسیکه خندق و جریانی که بر دو را دور ارضی یک شخص دیگر

کنده شده باشد، پروخا کرینماید، و یا احاطه مانده که
از تپه تا و خارج و خمس بر اطراف کشت زار کشیده شده و یا
کند [بعد از تاوان آن بقدر مقدار تاوان جزای نقدی].

۲۱۰: — کسیکه طرق غمومیه و یا چشمه، و یا آب و یا آبروهای آب، و
یا آفتیه که یک خود او نباشد بالا خدیار هم و تخریب کند
[بعد از تاوان آن از ششماه تا دو سال حبس].

۲۱۱: — کسی که بدون یک دست آویزی و حجت شرعی که
حق او را اثبات نماید، خود بخود اموال غیر منقول را که داخل
مجموعه تصرف شخص دیگر باشد ضبط و محاربه
نماید [بعد از استرداد چیز ضبط گردیده کی از یک ماه
تا ششماه حبس].

۲۱۲: — کسیکه نهالتانها و کشت زار را با سببه منوز بکمال نزد
باشد قطع و تلف نماید، و یا به مقصد تخریب در آن
حیوانات را بکشد [بعد از تاوان آن از حبس پرتو

(فردی عموم)

آصدر و پیه جزای نقدی].
 اگر این نهالستان تخریب شده عبارت از نهالها
 باغ و یا نهالها یک قیمتی و سیوه دار باشد [بعد از تاوان
 از یکماه تا دو سال حبس، و از دو صدر و پیه الی دو هزار
 روپیه جزای نقدی].

فصل دهم

(قواعد جزائیه که متعلق با طببا و جراحان عطار است)

(۲۱۳): — طبیبان و جراحان و عطارانیکه بنا بر سوء قصد، به بیمار
 دوائی مخالف داده موجب موت و وفات ایشان
 گردند [اعدام].

(۲۱۴): — اینچنین یک دوائی مخالفیکه بنا بر سوء قصد داده
 شده باشد، هر چند که موجب موت و هلاک بعض
 نگردیده، باعث شدت بیماری و مرض شود، طبیب
 و یا عطار و جراح [برای اینکه آینده در پیچ با اجرای
 صنعت نتوانند، شهادتنامه شان ضبط میشود،

و از سه سال الی پنج سال حبس [۰]

(۲۱۵) — طبعیان و یا جراحان و عطارانیکه سهوا بمریض خود

مخالفت داده، و یا بصر حال در فریضه ما موریت خود

غفلت و اجمال نموده این سهو و اجمال شان سبب

موت مریض گردد [برای اینکه آینده در هیچ جا اجرا

صنعت نتوانند شهادتنامه شان ضبط، و دویزار

روپیه جزا سی نقدی میبندند] [۰]

(۲۱۶) — اگر ازین سهو و اجمال مریض وفات نیافته بلکه حجب

شدت بیماریش گردد [از یکماه تا یکسال حبس] [۰]

(۲۱۷) — واکثر اطباء یونانی که از مدیریت مستغفله

طبیبته اجازت نامه معالجه نداشته و در شهر کابل مداوا

امالی پروازند، اگر از معالجه شان هیچ آسیبی

هم به بیمار نرسد [از پنجاه روپیه الی هزار روپیه

جزا سی نقدی میبندند] [۰]

* *

*

باب سوم (جرمهاییکه از نوع قباح است باشند)

فصل اول

(جرمهای ذیل جرمهاییست که از نوع قباح است که از ناموس)
(صادر گردد، و هر کدام مستلزم جزایست که درجه آن)
(در برابر همان جرم نوشته شده)

(۲۱۸): — مأمورینکه در مقابل امرهای خود بپیرمندی و سرکشی
نمایند [از پانزده روز تا یکماه حبس] و یا [از دو ماه تا چهار
ماه تنخواهشش بقسم جزای نقدی وضع میشود]
اگر سرکشی در مقابل یک تنبیهی که متعلق به انضام
وظیفه او بوده بعمل آید [لا اقل یکماه حبس و از ناموس]
غل

(۲۱۹): — مأمورینکه در چین ایفا امرهای شان داده
باشد شستی و سهل انگاری نشان بدهند [در نوبت
اول تنخواه یکمشت، و در دفعه دوم تنخواه پانزده روز]

دور مرتبه سوم تنخواه يک ماہہ او قطع گردیده، نوبت
چهارم از یک هفته الی پانزده روز حبس گردیده از ماموریت
غزل میشود.

(۲۲۰): — علی العموم مامورینے کہ در خدمات و وظائف خود بخیر
میسازند بمطابق نظامنامه حاضری جزای میبندند.

(۲۲۱): — مامورینے کہ در خارج وظيفه از روس حقیقتاً مأمور
خود حرکتهاست نامناسب بنمایند [در نوبت اول
اخطار، بار دوم در حضور دیگر مقامات شش توپنج نفع
سوم قطع تنخواه یکماہہ او، مرتبه چهارم غزل از ماموریت]

فصل دوم

(جز مازیل علی العموم از نوع قباحت بوده اند)
(جز آنستند کہ در برابر کلام نوشته باشند)

(۲۲۲): — در راه ماوسرکها، خاکروبه ماوگندگیها و سایر چیزهای
موجب بدبوئی و تعفن باشند، انداختن و بی پروائی
بالا کسی خاک جاروب و چرکاب ریختن، و

روپ سہ کہا حسب اللزوم بعضے چو قوریا کاندہ شبا
بر بالاسے آن فانوس نگہ آشتن [ازیکروپسہ الی
بیت روپہ جزای نقدی] .

(۲۲۳) :- در داخل شہر و دیہات در بانائیکہ احتمال ضرر باشد
بطاقتی انداختن [ازوہ روپہ الی پنجاہ روپہ جزای
نقدی] .

(۲۲۴) :- در داخل شہر بلالزوم تفنگ زدن [صدر روپسہ
جزای نقدی] .

مراد از تفنگ زدن در شہر فقط همان مناطق شہر از آن
مطلوب است کہ از طرف قوماندا ان محلی محدود
و تخریب کردہ میشود .

(۲۲۵) :- در جائیکہ مردمان جمع باشند اسپ دو ایندن
[ازوہ روپہ الی پنجاہ روپہ جزای نقدی] .

(۲۲۶) :- کسیکہ از گرفتن سکہ دولت بقیمت معینش انکار
و استنکاف ورزد [ازوہ روپہ الی سی روپہ
جزای نقدی] .

(۲۱۷) :- قصد ابخانہ و یا حویلی یک شخص دیگر خاک و سنگ

و ناپاکی انداختن، و یا بجاییکه داخل شدن آن
ممنوع است درآمدن و از جاییکه گذشتن از آن ممنوع است
گذشتن [از بیت روپیه اسل شصت روپیه
جزای نقدی] .

(۲۲۸) :- بدرجه که باعث برهم زدن راحه ها الی گردد بلا مجوب
غال مغال و شماتت کردن [از پنجره روپیه تا بیست
جزای نقدی] .

(۲۲۹) :- اعلاتاییکه بامر حکومت چاپیده و آویخته شده باشند
کندن و پاره کردن [از پنجاه روپیه الی صد روپیه جزای
نقدی، و از پانزده روز الی یک ماه حبس] .

(۲۳۰) :- کسیانیکه کمتر از نرخ معین مروج اشیا را بفروشدند /
از بیست روپیه تا هشتاد روپیه جزای نقدی، و از
سه روز الی یک هفته حبس] .

اگر اشیا، فروش از قبیل نان و گوشت و آرد و چوب
وزغال باشد که حوائج ضروری و بسته آن است
[جزای نقدی بقرار فوق، مدت حبس از یک هفته
الی پانزده روز] .

(۲۳۱): — کسیکے جائے راکہ برائے منافع عمومیہ از قسم طر

عامہ و میدانہا و تماشا جائے ترک و تخصیص شدہ

باشند خراب و ویران سازد، و یا از طول و عرض

آن مقدارے برائے خود بزد و [جائے راکہ خراب]

کرده است بخودش تعمیر میشود، و جائے راکہ دریدہ

است از وی اخذ و استر او گردیدہ، بعدہ [از پارتوہ

روزالی کچھ مجبوس میاند، و از نیست رویہ

الی ہشتاد رویہ خراسان نقدی میدہن]

(۲۳۲): — کسیکے برویواریاے مساجد و جوامع و مقبرہ

و بر سر کھادیواراے عمارتہاے سرکاری، و

اینستہ خصوصی، را بہ زغال و سیلابی و غیرہ حرکت

خط میکنند و یا در خفتے راکہ از طرف حکومت

در کھانہ شایندہ شدہ، و یا گلزاراے لاکہ بر

اطراف سد کہا طر شدہ اند خراب کنند،

و یا گلہاے آن را جہ اسارند [از بخت و تہ نجا

رویہ خراسان نقدی]

(۲۳۳): — جرمانے روزنامہ خراسانے بد ابرائے آن

[از یکروپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی] و از
[یکروز الی یکماه جزای نقدی] مقرر گردیده کافه آن از نوع
قباحت میباشند .

(۲۳۴) :- کسانیکه هنگام شب چراغهای گادی را خاموش
گذاشته باشند [دوروی] .

هرگاه چراغ بایکل باشد [یکروپیه] .

هرگاه چراغ موتور باشد [بیت روپیه جزای نقدی] .

(۲۳۵) :- در اثبات مرور و عبور غیر پیاده بر سبزهها بدست چوب

نرفته بدست راست بروند [نیمروپیه جزای نقدی] .

(۲۳۶) :- گفتن الفاظ رکیک و لغو و طعن و استهزا و غیره قذف

[نیمروپیه جزای نقدی] .

(۲۳۷) :- جنگ دادن طیور و حیوانات [بیت روپیه

جزای نقدی] .

(۲۳۸) :- در داخل شهر کبوتر پرانی و کاغذ پرانی، و بدون غذا بالا

بام برآوردن که از آن همسایه متضرر شود [پنجاه روپیه

جزای نقدی] .

لیکن کاغذ پرانی بدون بام، و محض نگه داشتن کبوتر

(جزای نقدی)

بدون پراندن معاف است .

(۲۳۹) :- جنگ های خفیف و گفتگو های بازاری که رو

مره واقع میشود ، در صورتیکه یکی از جانبین بد اثره پوی

عرض کند [از پنجره پیه الی بیست روپیه جزای

نقدی ، و از یکروز تا یک هفته حبس]

(۲۴۰) :- آویختن مرغ زنده از پا برای فروختن در بازار [دو

روپیه جزای نقدی] .

(۲۴۱) :- اسپ را در بازار ایستاده کرده ، و خود جلو آن گرفته

بردگانه نشستن [پنجره پیه جزای نقدی] .

(۲۴۲) :- بر حیوان یا بر یک عراده از مقدار نظامنامه اضاف

از طاقش بار کردن [از پنجره پیه الی بیست روپیه

جزای نقدی] .

(۲۴۳) :- استنجا بدست بر سر کبابا یا لانه گشتن [یک روپیه

جزای نقدی] .

(۲۴۴) :- کسانی که مانند آن مسجد و تربت و مانند آثار شریفه

و یا ابنیه و عماراتی را که از ترسینات بلدی میباشند

خراب و رخنه دار نمایند ، و مداخلت و نهالهای

در راه ما و سر کباب و کوچه ما و یا صحن ما مسجد باشند
 ببرند [بعد از ادای تاوان مقدار ضرر از صیدیه
 تا هفتاد و پنج درصد جزای نقدی، و از یک هفته
 تا یک ماه حبس].

(۲۴۵): — باجرا احکام این نظامنامه وزارت عدلیه مامور است.

نظام مجازات مجرمین

(۱): — در دانی که بخانه شخصی بر آذوقه یا مال موقوف شود

و جرعه هم واقع نشود هرگاه در جماعه آنها زیاده از یک
 نفر مسلح باشد صاحبان سلاح [حبس دوام].

و باقی نفری شان [از ده سال الی پانزده سال حبس].
 هرگاه تعداد نفری زاید از سه نفر بوده تنها یک نفر شان
 مسلح باشد شخص مسلح [از هشت سال الی ده سال
 حبس].

و باقی نفری آن [از پنج سال الی هشت سال حبس].
 هرگاه تعداد نفری از سه کس کمتر باشد شخص مسلح

[از چهار سال الی پنج سال حبس] .

و باقی نفری [از یک سال الی سه سال حبس] .

(۲) : — در صورت عدم حصول مصارف محکمه از محکوم علیه در مرکز بموجب تحقیقات وزارت متعلقه اش در ولایات و محالات بقرار تحقیق کوتوالها و در حکومتی نابذلعه حکام محلی تحقیق گردیده بمحاکم شرعیه برسد فیصله دعوی مجانا بلام بدل داده شود .

(۳) : — کسانی که بجریمه غیر واقعات قتل و تعزیر حبس محکوم بود در حین حبس ادا جزای نقدی را کرده نتواند در مقابل هزار و پنجاه روپیه جزای نقدی خود حبس یکسال را مجبور است که در محبس طی کند .

(۴) : — کسانی که با اتهام جنحه و جنایت توقیف شوند و در محاکم عدلیه اصل فعل بر او شان ثابت شود ایام مدّه حبس شان از ابتداء توقیف محسوب است .

(۵) : — محصول فیصله فقرات قبلیکه دیت بطریق قسامت حکم میشود نباید از شش روپیه که قیمت اصل فیصله گرفته نشود .

(۶) — کسانی که عند الزوم بوزارت ما و دو ارد دولت جلب

میشوند، اگر قریه دار و یا کلانتر و دیگران موثر تصدیق
حاضر نبودن و بیماری شخصی جلب شده را بنماید و کذا
ظاهر شود مصدق کاذب [از بیت رویه اسل]

دو صد رویه جزای نقدی میدهد.

(۷) — مجبوسین که از توقیف خانه ما فرار مینمایند و بازگیر

شوند اگر مجبوسین جنجه بوده از محاکم شرعیه بر آنجا
حکم حبس صادر شده باشد ربع میعاد حبس مقرر
و اگر مجبوس جنایت باشد ثلث میعاد حبس معینه خود
ما را علاوه بر جزای سابقه خود ما اكمال مینمایند
الا قبل از محکومیت و صدور حکم محاکم شرعی فرار کنند
[از شش ماه الی یکسال مجبوس مینماید].

(۸) — کسانی که توقیف و بریر استنطاق اند و هنوز حکم

شرعی بر او شان صادر نگردیده از باعث غفلت
پهره دار فرار کنند، اگر مفزوری شهم جنجه باشند
محافظ غافل [از یکماه الی یکسال حبس] و اگر متهم
جنایت باشند [از یکسال الی سه سال حبس].

(۹) — اشخاص متهم با قتل که قبل از محکومیت خفیتاً و ارثان
مقتولین را بمبلغ و یا جنس معین رضامند ساخته و رثه
در محکمه شرعی سوگند بدهد و یا اسقاط سوگند نمایند و گاه
سازی شان ثابت شود که قبل از مرافعه حکومت
و قضا براساس پامال کردن قتل مصاحبه نموده اند مناصف
وجه مصاحبه از ورثه و شخص متهم بطریق علی السویه جزای
نقدی گرفته میشود .

(۱۰) — شخصی که بموجب نظامنامه جزایام حبس را تکمیل ننماید
و یا بواسطه اتهام توقیف شده باشد حین ثانی
ضامن گرفته نمیشود .

(۱۱) — گریختن زن عسکری که شوهرش مسافر و بخدمت
باشد در صورت اقرار زن که برضا خود رفته باشد [اعلم]
والا بقراین قطعیّه ثابت شود [از ۴۹ الی ۷۹ دره
تقریر] .

(۱۲) — سرقت اموالیکه نصاب شرعی را که مراد از هفت قرآن
پوره نکند [از بمبت روز الی یک ماه حبس] .

(۱۳) — کسانی که اشیاء تقدیه می مثل کره کلت کرده طلا و نقره

و امثال آن را بقیمت اصل جنس فروخته به اینقسم
ساخته کاری نماید بعد از تاوان مال [از یکسال الی

سه سال حبس] .

(۱۴) : — کسانی که عیال منکوحه کس را که شوهرش مسافر باشد
برای دیگر بفریب عقد نکاح نماید [از یکسال

الی سه سال حبس] .

(۱۵) : — کسانی که آبا و اجداد و اقهارت خود را بقتل رسانند
اگر قرار تمسک القضاء الایمانیه قصاص لازم نشود

مباشتا [اعدام] .

(۱۶) : — مصارف محکمه برخلاف قاعده (۱۷) نظامنامه جزا

قبل از تضمینات شخصیت و رد اموال مسروقه و دیت

شرعی گرفته میشود .

(۱۷) : — اگر در جمله دزدان علاوه از کیفر مسلح بوده قراقر

(۱۹۱) دزدی نماید تحت قاعده (۴۸) اجرا میشود .

(۱۸) : — کسانی که شخص را بعوض شخص دیگر که حقیقتاً آن شخص

حاضر نباشد در محکمه آورده برای فواید خود بفرستد

از اقرار شخص غایب وثیقه شرعی حاصل نمایند

(جزایای محکوم)

کذا بعض اشخاص در واقع مذکور تصدیق نمایند،
 هرگاه منفعت حاصل کرده باشند به شخص ضرر رسیده
 مسترد گردیده و بهمان مقدار جزای نقدی از
 اشخاص فریب کننده علی السویه استحصل میشود
 و نفری مصدقین جزای شاید زور می بینند،
 اگر فائده تحصیل نکرده باشند فریب کننده گان
 و مصدقان معاملة مذکور جمعا جزای شاید زور می بینند.

(۱۹) — اشخاصیکه بدزدنی و دادر و تاراج شهرت پیدا کرده

باعث اخلال امنیت و رفاه عام میشوند باید اشخاص
 درست و روشناس آنجا در محکمه ابتدائیه مرکز ولایت
 و محال رفته صورت واقع را سجل شرعی نمایند،
 و نامورین دولت از شخص علاقه دار الی نائب الحکومه
 هماغجا معلوما تیکه در باره آنها داشته باشند نیز تحریر
 کرده قانونا بجهت محکمه که تعلق داشته باشد بپارو
 این معلومات مدار حکم شرعی میگردود، اگر شهرت دزدی
 و دادر و تاراج متواتر باشد [اعلام] و اگر شهرت غیر
 متواتر باشد [از پنجاه الی ده سال حبس].

اگر شجرت محدود باشد نقل مکان [] .
 (۲۰) : — کسانیکه محکوم به نقل مکان گردیده خلاف حکم حکومتی
 و سپس عود نمایند اگر ثانیاً منشأ فساد و دماره تالیف
 گردند [اعدام] .

[الا از پنجسال الی ده سال حبس] .
 (۲۱) : — اگر فاعل قتل عمد نامعلوم بوده ورثه مقتول شخص محبت
 دعوی اصل فعل ویر مالک مقتول دعوی دیت و قسامت
 شرعی را نمایند بواسطه وجود قاتل از نفری بالغ ذکور
 بهمان محلّه و موضع که جسد مقتول ظاهر شده فی نفر بخرویه
 بطور جریمه جزای نقدی گرفته میشود، بدیگر محله یا مقبره
 جریمه نیکو نفوذ میکند .

(۲۲) : — از ولایات و حکومتهاے اعلیٰ محریستیکه از پنجسال انضاف
 در باره شان حکم حبس میشود و از حکومتهاے مربوطه
 ایالت کابل اشخاصیکه زیاده بر سه سال مسنوح
 مجبوسی باشند در هر سال بدو مرتبه مجبوسا بر مرکز کابل
 فرستاده شوند، تا در توقیف خانه مرکزی اوقات
 مجبوسی آنها پوره شود .

(۲۳) — کسانیکه مبداء اشاعه و نشر خبر نامه خلاف واقع متعلق

سیاست داخل ملک شوند [از نسبت روز تاجگاه

جلس، یا از یکصد روپیه الی دو صد روپیه جزا نقدی]

احکام این ماده را قوماندها به کوتوالی ولایات

و حکام زمانیکه این بیانات افواه سبب پریشانی

امالی شود موقتاً الی رفع اینچنین افواه اجرا میدارند.

(۲۴) — اشخاصیکه چیز را حکایت اعلان نکرده باشند بحدود

نسبت داده در بین امالی نشر و شایع کنند [از ده روز

تا یک ماه جلس، و یا از پنجاه روپیه الی دو صد روپیه

جزا نقدی].

(۲۵) — شاید آنکه بزنا شهادت داده اند در زمان بهم

زانی غایب یا فوت شده باشند محکوم علیه مذکور

تغیراً [بضرب ۷۹ دره و تشریر محکوم میشود].

(۲۶) — شاید آنکه شهادت ناحق بدهد علاوه بر ضرب و

تشریر که در فصل چهارم جزا عمومی نشانداده شد

[از سه ماه الی شش ماه جلس].

(۲۷) — کسیکه ورثه مقتول را بر عفو کردن از قصاص ثابت

مجبور کند [قاتل سیاستا اعدام، و اگر اه کنند
یکهزار روپیه جزای نقدی و یکسال حبس].
(۲۸) — درکندن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافت از آن مو
وریش مرد را اجباراً [از یکماه الی سه ماه حبس، و از صد
روپیه الی پنجصد روپیه جزای نقدی] و اگر موی
سر زن را بقدر ربع و اضافت از آن کند و یا تراشیده
[از سه ماه الی شش ماه حبس، و از پنجصد روپیه الی هزار
روپیه جزای نقدی گرفته میشود] و درکندن تراشیدن
موی مرد و زن که مادون از ربع باشد در تحت حکم قتل
مآید.

(۲۹) — کسیکه بیک صدمه غیر فعل زنا بکارت باکره رازا نل نماید
علاوه بر مهر مثل [از سه ماه الی شش ماه حبس].
(۳۰) — زنیکه با دیوانه زنا کند [از ۳۹ دره الی ۵۰ دره ضرب].
(۳۱) — مردی که با زن اجنبیه بغیر زنا و لواطه بباقی اعضا او
دست درازی و یا مساس کند در صورتیکه مرد اگر اه
کند تنها مرد، و در صورت رضا زن و مرد هر دو از
[۲۵ دره الی ۳۹ دره ضرب، و از یکسال الی دو سال

حبس [

(۳۲) — رقا صی زن بحضور مردان هر واحد [از شاه الی یکسال حبس

و از دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزا بے نقدی]

وزن [از ده درّه الی پانزده ضرب، و از دو صد

الی سه صد روپیه جزا بے نقدی] .

(۳۳) — زنهاییکه به بد افحالی متواتره شهرت پیدا کنند

[از ده درّه الی پانزده ضرب، و از دو صد الی

سه صد روپیه جزا بے نقدی] .

(۳۴) — شخصیکه پدر و یا مادرش از ایداء، و یا اطوآ

نایسند او بجا کما شکی شوند [از سه درّه الی یازده

درّه ضرب، و یا از یکماه الی چهل روز حبس] .

(۳۵) — زنیکه بدون عذر شرعی و بلا اذن شوهرش درخت

مردمان اجانب برود از هفت درّه الی بیست و پنج

درّه ضرب] .

(۳۶) — شخصیکه در مقابر رفته کفن میت را بشدت [از یکماه الی

سه ماه حبس]

(۳۷) — کرایه کشان و کسانیکه بخیعت اخذ بعهانه میکنند

و از عهده انجام عمل برآمده نیست و اند بعد از استر

وجه [از ده روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی].

(۳۸) — کسیکه شخص شش من یا یک شش سیاستا [اعدام].

(۳۹) — در ماده (۱۰) نظامنامه جزای عمومی که لفظ

صحن وزارت عدلیه مذکور است به عوضش صحن لای

منظور است.

(۴۰) — ضمیمه ماده (۳۰) نظامنامه جزای عمومی [و اگر

اصل فاعل مستلزم دیت شرعی و یا جزای نقدی

یا ضرب باشد کسیکه فرغاذی مدخل باشند،

بقدر دو ثلث جزای اصل فاعل جزای میندازد

(۴۱) — اگر بعضی از ورثه معاون قتل مورث خود بوده عفو یا

چون عفو و مستقط قضا منکر قاتل سیاستا [اعدام].

(۴۲) — زنی که فرغاذی مدخل یا محرک قتل شوهر خود گردد و قتل بعمل آید سیاستا [اعدام].

(۴۳) — ضمیمه قاعده (۲۷۰) امر دیر در صورت رضا از

(۱۰) دره الی (۱۵) در ضرب، و از دو صد روپیه الی

سه صد روپیه جزای نقدی].

(۴۴) — در مسئله زنا که حد شرعی بشبه ساقط شو [از

۳۹ دره الی ۷۵ دره ضرب .

(۷۵): — علاوه قاعده (۱۷۲) اگر او یا بر مقتول یا قاتل

و مقتول قرابت پدر و مادر و خواهر داشته باشد و

قاتل را عفو کند ازین حکم مستثنی است .

(۷۶): — زنیکه شوهرش غایب باشد و خودش حامله گردید

بر زنا اقرار و نسبت فعل را بر یک شخص منکر نماید، اگر

برضای خودش فعل وقوع یافته باشد (۷۵)

دره ضرب .

(۷۷): — براب شخصیکه با اشتنا قتل که جزای آن العفو

در نظامنامه جزای عمومی تعیین یافته مرتکب یک

جرم گردد و از طرف مدعی آن اگر عفو صادر شود،

و آن جرم با قرار خود مجرم ثابت باشد تعزیراتیکه

به تخصیص همان جرم در نظامنامه جزای عمومی

تعیین یافته درباره او اجرا میشود .

(۷۸): — اشخاصیکه سندات تقلیدی یا تحریفی درباره

مدعی علیه خود بمحاکم دولت ابراز نمایند ذیل مجازات

میسیابند:—

الف: - اگر از قبیل حجت و قباله و امثال آن باشد
ثلث مقدار مندرجه سهند .

ب: - اگر بغرض دچار نمودن مدعی علیه خود را بیک
مجازات قانونی باشد در حالیکه بآن سند
مدعی علیه محکوم باعدام گردد، هفت سال
حبس، و غیر آن ثلث مجازات محکوم علیه .
(۴۹): - اگر بر اقرار قاتل عمد نامورین دولت که رسماً تحقیقات
ابتدائیّه موظف هستند در محکمه شرعیّه گواهی داده
ورثه مقتول عفو نمایند مجرم به مجازات قاعده (۱۴۰)
محکوم میشود .

(۵۰): - اشخاص متخاصمین که بحاکم عدلیّه یا اداره ثواب دولت
در اثنا محاکمه و تحقیقات باهم مشامتہ کنند از محاکم
عدلیّه به موجب امر قضاة در کوتوالی محلی و دیگر دوائر
دولت از طرف آمر همان اداره که اختیار اجراء
قباحت را داشته باشد در باره آسپندان اشخاص
مجازات قباحت اجرا میشود .
(۵۱): - کسیکه مشهم نفجور باشد اگر یک امر در ایاک راه بگیرند

[۳۹] درّه ضرب، و از شش سال الی ده
سال حبس [۰]

و اگر بخدعه و فریب ببرد [۳۹] درّه ضرب و سال
حبس [۰]

اگر یک شخص مستورا حال، با کراه بگیرد [۲۵] درّه
ضرب، و سال حبس [در صورت خدعه از یک سال
الی دو سال حبس] [۰]

امرود در صورت رضا بجا زانکه که گیرانند محکوم شد
محکوم میشود [۰]

و اگر یک طفل را بگیرد که مظنه بدفعی نباشد خاص
گیرانند بجا زانکه شدید قباح محکوم میشود [۰]

(۵۲): — مأمورین ماتحت هرگاه علاوه بر اختیارات خود بوظایف

آمران شان جرئت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها

چیزی ضرر نرسد از یک هفته الی یک ماه تنخواه شان کسر شود

و اگر برابر دولت یک ضرر رسد نظر بدرجا

صرا از پنجاه روپیه الی ده هزار روپیه جزا میدهد

نقدی [۰]

و اگر به سیاست دولت یک ضرر برسد نظر بر آن
 ضرر [از دو سال الی سه سال حبس] .
 و اگر از آن برای یکی از رعایا ضرر برسد علاوه بر آن
 مال نظر بر این جرم [از صد روپیه الی یک هزار روپیه
 جزای نقدی گرفته میشود] .

(۵۳) : — مأمورین که بتربیب اوراق سوانح عمر خود مکلفیت
 دارند اگر در مرکز کابل مستخدم و سکونت شان
 در شهر باشند، به اذغال پسران و دختران
 قابل تعلیم خود شان که سنین آنها از هشت
 سال کم و از دوازده سال اضافه نباشد
 در مکاتب مکلف اند و هرگاه در اطراف
 ملازمت شان باشد تنها بشمولیت بچه های
 خود در مکاتب محلی مجبور اند .

در صورتیکه نسبت بتعمیل قاعده فوق مستأجلت
 و تکامل و رزق در مرتبه اولی تنخواه دوماه
 و در دفعه دوم تنخواه چھ سارماہ شان قطع
 گردیده بالاخر در گرت سوم تنخواه شان

۹۰

اونها کسر و از مأموریت طرد کرده میشوند.
اجرای احکام قاعده فوق را در مرکز کابل
از ابتدا به ماه دلو و در ولایات و محلات
از اول سال ۱۳۰۳ هر میفرمائیم.

ادخال نظامنامه بنابر نظر امارت دولت، و اجرای
احکام آنرا اراده میسپاریم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چون توجّهات شامانه علحضرت شهریارغازی

ایده الله تعالی نظامنامه هذا جمع گردیده این خادمین دین

سفر از مابینیت امضا آن گردیدیم، بنا بران دعا

تائیدات غیبی وجود مسعود علحضرت شازا بصیداز

کرده مرقوم میداریم که این نظامنامه جزای شرعی

عمومی را از سرتاپا بدقت ملاحظه و مطالعه کردیم،

همه احکام و مندرجات آنرا در هر باب با احکام کلیه

جليلة شريعت غراب محمد صلي الله عليه وآله

واصحابه وسلم مطابق، وباايجابات سياستى عصر

وزمان موافق يا قيم . خادم بعلماء
محمد عبدالواسع قفاري

غنى عنه

مهر قاضى القضاة مهر قاضى عسكر افغانستان نوى في حق

مهر قاضى محكمه اوقاف حقوق عبد الحميد مهر قاضى محكمه اوقاف جزا عبد الرحمن

مهر قاضى محكمه شرعية ابتداء حقوق من مهر قاضى محكمه وثيقات حقوق شرعية

عبد الرشيد

مهر قاضى محكمه شرعية ابتداء

عبد الحسين